

Ramadan

احكام مريض

در رمضان

مهتم وديزين : الحاج سليم عابد « پيمان »

۱۳۹۵



تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين سعيدى - سعيد افغانى
والحاج قاضى لعل محمد صافى « پتوال »

www.masjed.se

احکام مریض در رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم احکام مریض در رمضان

خواننده محترم !

در ابتدا باید گفت که در شرع اسلامی هر مرضی بحیث عذر در عدم گرفتن روزه پذیرفته نمیشود ، بلکه آن‌عه از مریضان میتواند از رخصت شرعی دین مقدس استفاده کند ، که مرض شان به گرفتن روزه ، برای صحت جسمی شان خطرناک و مضر تمام شود . و با اصطلاح گرفتن روزه ، اوضاع جسمانی انسان را به خطر مواجه سازد و در نهایت او را شدیداً دچار مشقت نماید و یا در تشدید مرض او به افزودن . در غیران شخص موظف است که باید روزه اش را بگیرد هرچند که مریض هم باشد .

ناگفته نباید گذاشت که مریضی شخص باید توسط یک دکتر و طبیب مسلمان و عادل تشخیص داده شود ، که روزه گرفتن برای شما خطرناک است و موجب تشدید مریضی اش میگردد ، در آنصورت می توانید تا شفاء از مریضی ، روزه نگیرید و سپس آنروزهایی را که خورده است قضاء کند ، و مکلف به تادیه کفاره نمی باشد .

زیرا خدای متعال حکم این هدایت را در سوره بقره (آیات ۱۸۳ - ۱۸۵) با تفصیل و زیبایی خاصی بیان فرموده است : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (183) أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ ۚ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۗ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ ۚ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (ای مؤمنان ! روزه بر شما فرض گردیده چنانچه بر کسانی که پیش از شما بودن نیز فرض گردیده بود تا بر هیز کار شوید و خلعت تقوی را در بر کنید ، روزه در روزه های شمرده شده و اندک بر شما فرض گردانیده شده ، پس هر کدام از شما که مریض و یا در سفر باشد برایش رواست که روزه را بخورد و قضای آنرا در روز های دیگر بیاورد و بر کسانی که به مشقت زیاد از عهده آن می بر آیند فدیة است به اندازه خوراک يك روزه يك مسکین ، و هر که به خوشی و رضای خود در فدیة افزودی به عمل آرد و بیش از يك نفر مسکین را سیر سازد برایش بهتر است روزه ، گرفتن تان برای شما بهتر است اگر میدانید .)

انواع امراض :

- جمهور علمای مذاهب از جمله ائمه اربعه گفته اند که مریض حق ندارد روزه اش را بخورد مگر آنکه مریضی اش شدید باشد ، و منظور از مریضی شدید چیست ؟
- 1- مریضی شخص به سبب روزه گرفتن افزایش یابد .
 - 2- شفایو صحت یابی مریض به سبب روزه گرفتن به تاخیر افتد .
 - 3- روزه گرفتن موجب مشقت و سختی زیادی بر وی شود ، هرچند که مریضی اش را افزایش ندهد یا شفایش را به تاخیر نیاندازد .
 - 4- همچنین علماء کسی را که به سبب روزه گرفتن دچار مرضی گردد را نیز مشمول این حکم و رخصت دانسته اند .

ابن قدامه رحمه الله گفته :

« مریضی که خوردن روزه برایش جایز است ؛ مریضی است که مرض شدیدی دارد

احکام مریض در رمضان

که با روزه گرفتن شدت می یابد و یا می ترسد که بهبودی او دیر شود.. و (همچنین بر طبق رای) صحیح؛ کسی که می ترسد به سبب روزه گرفتن مریض شود..» (المغنی) (403/4).

و زیلعی گفته :

«صحیح آنست؛ کسی که بترسد بخاطر روزه گرفتن مریض شود، او همانند مریض است (یعنی در حکم مریض است)». (تبیین الحقائق) (333/1).

امام نووی رحمه الله گفته:

«مریضی که توانایی روزه گرفتن ندارد و امید بهبودی در وی می رود لازم نیست روزه بگیرد... و این زمانی است که مشقت و سختی ظاهری بخاطر روزه گرفتن بر وی وارد شود، و مشروط نشده که (این سختی) به جایی برسد که روزه گرفتن ممکن نباشد، بلکه اصحاب ما (شافعیه) گفته اند: شرط جواز روزه نگرفتن اینست که به سبب روزه به او مشقتی وارد گردد که احتمال آن (مشقت) در وی رود». «المجموع» (261/6).

و بعضی از علما گفته اند که برای هر مریضی جایز است که روزه نگیرد، هر چند که به سبب روزه گرفتن به وی تکلیف و مشقتی وارد نیاید، ولی این قول شاذ است و جمهور علما آنرا مرود دانسته اند. چنانکه امام نووی رحمه الله گفته: «بدون اختلاف نزد ما مرض ساده ای که بخاطر روزه گرفتن مشقتی بر او وارد نمی شود برایش جایز نیست که روزه اش را بخورد». (المجموع) (261/6).

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می گوید:

«مریضی که با روزه گرفتن متاثر نمی شود، مانند سرماخوردگی خفیف، یا سردرد خفیف، و درد دندان، و همانند آنها؛ برای وی جایز نیست که روزه نگیرد، هر چند که بعضی از علما می گویند: بدلیل آیه ی «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا» (سوره البقرة/185) برای او جایز است که روزه نگیرد، اما ما می گوئیم: حکم (این آیه) معلول به علتی است و آن این است که روزه نگرفتن به او سودی برساند (و از سختی وی کاسته شود)، اما اگر (بخاطر مریضی) متاثر نمی شود برای وی جایز نیست روزه اش را بخورد و روزه بر او واجب است». الشرح الممتع (352/6).

مفسران، فقها و علماء دینی امراض که خوردن روزه را به توصیه داکتر معالج متدین جواز دانسته عبارتند از: (امراض سل، امراض صدري، امراض معدوی، امراض روانی، که انسان به گرفتن روزه از حالت نورمال خارج میگردد.) و غیره امراض خطرناک و مضر (...). اگر شخصی فقط به اساس وهم وخیال خود که گویا روزه او را مریض می سازد ویا مریضی اور افزایش میدهد، در حالیکه آن را تجربه هم نکرده و نه دکتور متخصص متدین برایش مشوره داده روزه نگیرد گنهگار بوده و باید کفاره آنرا هم بپردازد.

همچنان برای زنان که مریض اند، داکتر معالج متدین در مورد ضرر مرض برای مریض توصیه نماید ودر تشخیص مرض که آیا مرضش مزمن، دائم است و یا مؤقت حکمی صحیحی خویش را اعلان میدارد. که بعد از توصیه داکتر معالج احکام مریض در هنگام روزه بر او تطبیق میشود.

استنتاج کلی در مورد احکام مریض در ماه رمضان :

- اگر گرفتن روزه بر مسلمان بنا بر مریضی سخت شود ، وگرفتن روزه موجب افزایش مریضی اش ، شود، وداکتر معالج و مسلمان که تشخیصش درست باشد به او بگوید که روزه برایشان ضرر داشته و دردشان را افزایش می دهد و جان او را به خطر می اندازد؛ در این صورت اگر مرضش مزمن و دائم باشد پس می تواند روزه نگیرد و در مقابل هر روز به يك مسکین به اندازه نصف صاع (تقریباً يك کیلو و نیم) خوراک بدهد و قضای روزه بر او لازم نیست.

- اگر نوع مرضی مزمن و دائم نبوده نیازی به خوراک دادن مسکین نیست بلکه باید صبر کند تا از آن مرض شفا پیدا کند و سپس قضاء روزه اش را بگیرد .

- اگر داکتر معالج متدین تشخیص کرده بود که مریضش مزمن و دائم می باشد و آن شخص در بدل هر روز که روزه نمیگرفته يك مسکین را خوراک میداده، ولی بر فرض بر طرف شدن مریضی و بازگشت سلامتی، در آن صورت سال آینده را باید روزه بگیرد و قضای سالهای گذشته که افطار کرده است و كفاره ي آنها را پرداخت کرده است بر او لازم نیست.

و خوراک يك مسکین برابر است با نصف صاع از خوراک معمولی که در شهرش رایج است، مانند خرما، برنج، و غیره، و نصف صاع برابر است با تقریباً يك کیلو و نصف (1.5Kgs.)

گتگوری امراض نزد جمهور علماء:

جمهور علمای مذاهب از جمله ائمه اربعه گتگوری های مریض را به شکل جمع بندی نموده است :

- 1- مریضی که به سبب روزه گرفتن افزایش یابد.
- 2- شفای مریض به سبب روزه گرفتن به تاخیر افتد.
- 3- روزه گرفتن موجب مشقت و سختی زیادی بر وی شود، هر چند که مریضی اش را افزایش ندهد یا شفایش را به تاخیر نیاندازد.
- 4- همچنین علما کسی را که به سبب روزه گرفتن دچار مرضی میشود را نیز مشمول این حکم و رخصت دانسته اند.

تعریف مریض در فتوای شیخ بن عثیمین :

شیخ بن عثیمین در فتاوی (صفحه 111) خویش افراد مریض را در رمضان چنین فورمول بندی نموده است : «باید بدانیم که مریض به دو دسته تقسیم میشود:

قسم اول:

مریضی که امید درمانش وجود دارد، مانند مرضهای مؤقتی که زود رفع میشوند، پس این حکمش همان است که خداوند فرمودند: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (سوره البقره :آیه 184)، یعنی: «پس هر کس از شما مریض یا در سفر باشد پس لازم است (بر وی روزه گرفتن) شمار آن از روزهای دیگر»، پس فقط باید صبر کند تا شفا یابد و سپس روزه (قضاء) را بگیرد، و اگر این مرض کمی به طول انجامید و قبل از درمان بمیرد هیچ چیزی بر او نیست، زیرا خداوند قضاء را بر او در روزهای دیگری واجب کرده ولی او قبل از ادراک آن روزها درگذشت، و این مانند

احکام مریض در رمضان

کسی است که در ماه شعبان قبل از رمضان بمیرد، که (طبیعتاً) قضایی ندارد.
قسم دوم:

مرض مزمن باشد مانند سرطان ، و العیاذ بالله - و مرض کلیه (کرده) و مرض شکر و شیبیه آن امراض مزمن که امید به تداویش وجود نداشته باشد، مریضان که به این امراض مبتلا اند میتوانند روزه را افطار کنند و در مقابل هر روز یک مسکین را غذا میدهد، مانند پیرمرد و پیرزنی که طاقت گرفتن روزه را ندارند و روزه را نمیگیرند و در مقابل آن هر روز یک مسکین را غذا میدهند، و دلیلش حکم پروردگار است که میفرماید: « وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ » (سوره البقره: آیه 184)، یعنی: «و بر کسانی که روزه طاقت فرساست (یعنی: بر کسانی که روزه را به دشواری تحمل می‌کنند و تاب و تحمل آن را ندارند، چون پیرمردان کهنسال، زنان باردار و مریضان مزمن، پس بر اینان) فدیة ای است که عبارت از خوراک دادن به یک بینواست».

احکام شیخوخت و «شیخ فانی» در رمضان:

شیخوخت و یا کبر سن بدین معنی است: اشخاصیکه قدرت و توانمندی گرفتن روزه را از دست داده باشند. و یا شخص کهنسال که روز بروز در ضعف و ناتوانی باشد، و توانائی روزه گرفتن را نداشته باشد، برای این عده اشخاص «شیخ فانی» گفته میشوند. این عده اشخاص به اساس حکم الهی از گرفتن روزه معاف و مکلف به تادیه فدیة میگردند. «و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین» پیران کهن سال که به زحمت می‌توانند روزه بگیرند فدیة ای که طعام یک مسکین باشد واجب است).
کلمه «یطیقون» از مصدر اطاقه است، و اطاقه همانطور که بعضی گفته اند به معنای به بمصرف رساندن تمامی قدرت در عمل است که لازمه آن این است که عمل نامبرده آنقدر دشوار باشد، که همه نیروی انسانی خویش را در انجامش بمصرف رساند.
عرب وقتی کلمه (اطاقه) را به کار می‌برد، که قدرت انسان در انجام کاری به آخرین درجه ضعف خود رسیده باشد و متحمل ناراحتی و مشقت فراوان گردد.
در این آیه شریفه منظور از (یطیقونه) کسانی هستند که با مشقت فراوان می‌توانند روزه بگیرند، مانند اشخاص پیر و از کار افتاده و انسانهای بسیار ضعیف و لاغر، و زنان شیرده به اطفال، و زنان حامله، و مریضهایی هستند که امید به بهبودی آن دیگر وجود ندارد که برخی از این مریضی‌ها رادر فوق یاد آور شدیم، بنا بر این گونه اشخاص، روزه گرفتن برایشان بسیار مشکل است. بنا بر این اشخاص می‌توانند روزه نگیرند و بجای هر روزه، یک انسان فقیر را طعام دهند، طعامی که باید به اندازه ای باشد که یک انسان معتدل را سیر کند، (غذای متداول، معمول و معرف محل) و وقتی این فدیة را دادند دیگر قضای روزه بر آنان واجب نیست.
همچنان این حکم پروردگار شامل حال انعه از کسانی می‌گردد که به امراض مزمن که علاج دوباره آن غیر ممکن باشد نیز شامل می‌گردد. یعنی بر آنان گرفتن روزه فرض نیست در بدل آن میتوانند کفاره دهند که همان سیر کردن یک روزه فرد مسکین بر او واجب می‌گردد.

در شرعیت اسلام این عمل نوعی رخصت و آسانگیری از جانب پروردگار به شمار می‌آید؛ چنانکه می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (خداوند آسایش

احکام مریض در رمضان

شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست) (سوره بقره/185) و می‌فرماید: « وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ » (و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است) (سوره حج آیه 78) .
حضرت ابن عباس (رض) می‌گوید: (به انسان پیر و کهنسال اجازه داده شده است که در ماه رمضان روزه نگیرد، ولی به خاطر هر روز خوراک یک نفر فقیر را بپردازد، و قضای روزه بر او واجب نیست).

و بخاری با عبارتی نزدیک به این حدیث از ابن عباس روایت نموده است که این آیه درباره سالخوردگان و امثال آنها نازل شده است: « وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ » (و بر کسانی که توانایی انجام آن را ندارند) (همچون پیران ضعیف و مریضان همیشگی و کارگرانی که سالیانه پیوسته به کارهای سختی، مانند استخراج زغال‌سنگ اشتغال دارند، و زندانیان محکوم به اعمال شاقه‌ای که پیوسته به کار سنگین وادار می‌گردند) لازم است کفاره بدهند، و آن خوراک مسکینی است) (از خوراک متوسطی که به خانواده خود می‌خورانید و باید در برابر هر روزی یک خوراک متوسط که بتواند به طور معتدل مسکینی را سیر کند بپردازید) و هر که کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیة بیفزاید، و یا علاوه از روزه فرض، روزه سنت نیز بگیرد) برای او بهتر است) . (سوره بقره/ آیه: 184)

حمل :

زنان که حامله اند و میدانند که به گرفتن روزه برای حمل و خود آن ضرر میرسد مکلف به گرفتن روزه نیستند. در دین مقدس اسلام جان جنین هم محترم شمرده شده است و نباید هیچ زن و مردی در نگهداری او سهل انگاری نمایند، تا از میان برود. خداوند هیچ‌گاه به بندگان کارهای طاقت فرسا را دستور نداده است .
ابن عباس مفسر شهیر جهان اسلام مینویسد که آیه: « وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ » (سوره بقره/184) درباره زنان حامله و شیرده نازل شده است .

دین اسلام به خاطر نجات کودک، برای مادر افطار کردن روزه بر او واجب می‌گرداند . در این ارتباط خداوند متعال می‌فرماید: « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ » (فرزندان خود را مکشید.) (سوره اسراء/31 و انعام/151)

در حدیث شریف از نافع رضی الله عنه روایت است: یکی از دختران ابن عمر رضی الله عنه که در عقد ازدواج مردی قریشی بود در زمان حاملگی در ماه رمضان دچار تشنگی شد و ابن عمر رضی الله عنه به او دستور داد تا روزه اش را بشکند و در بدل هر روز مسکینی را طعام دهد . (صحیح، رواه الدارقطني 2/205- الاعرواء الغلیل 4/21)
از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که کنیزش را دید که حامله یا شیرده بود، پس فرمود: تو بمنزله کسی هستی (در روایتی مانند شخص کهن سالی هستی) که توان (روزه گرفتن) نداری پس بر تو لازم است به جای هر روز روزه، طعام مسکینی را بدهی و قضای روزه بر تو واجب نیست. (صحیح، رواه الدارقطني 2/206- الاعرواء الغلیل 4/19- وقال الدارقطني اسناده صحیح)

از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که زنی از او سؤال کرد در مورد روزه گرفتن در حالی که حامله بود و ابن عمر رضی الله عنه به او فرمود: روزه ات را بشکن و در

احکام مریض در رمضان

بدل هر روز مسکینی را طعام بده و قضای روزه بر تو لازم نیست.
(صحیح روا الدارقطنی 2/207- الاعرواء الغلیل 4/20- قال الالبانی سنده جید)
و این قول ابن عباس و ابن عمرو سعید بن جبیر رضی الله عنهم است و صحابه با آن مخالفتی نکرده اند و نیز مذهب اسحاق بن راهویه و اختیار محدثین است.
و در اصطلاح اگر روایتی از تعدادی اصحاب نقل شود و بقیه صحابه با آن مخالفت نکنند حکم اجماع را دارد .

اندازه و مقدار طعام فدیة :

اندازه و مقدار طعامی که به عنوان فدیة به مساکین داده شود ، علماء به حدیث ذیل استناد می نمایند :

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است: ایشان سالی دچار ضعف و سستی شدند و نتوانستند روزه بگیرند پس کاسه ای ترید گوشت درست کرد و سی نفر مسکین را دعوت ، و آنها را سیر کردند . (صحیح ، الهیثمی 3/164- طبرانی فی الکبیر 675/214/1)

و این یک وعده غذا به یک مد (600 گرم یا به قولی 625 گرم) غذای غالب آن منطقه نیز تعبیر شده است . یعنی شخص می تواند در بدل هر روز که روزه نگرفته (625 گرم) طعام غالب به مسکین بدهد و دادن قیمت (پول) به جای طعام جایز نیست چون نص صراحتاً بر دادن طعام دلالت دارد .

مادر شیر ده و رمضان :

اگر زن شیرده گمان غالب کند که در صورت روزه گرفتن ضرر شدید به طفل وی خواهد رسید اجازه دارد روزه نگیرد. صرف قضای روزه بر آنها فرض است .
از انس بن مالک کعبی (رض) روایت شده که رسول الله علیه السلام فرموده است :
« إن الله عزوجل وضع عن المسافر الصوم و شطر الصلاة و عن الحلی و المرضع الصوم » « خداوند عزوجل برداشته از مسافر روزه و نصف نماز را و از زن حامله و شیرده روزه را » (احمد ، ابو داود ، ابن ماجه ، ترمذی)

ابن عباس می فرماید :

« إذا خافت الحامل علی نفسها و المرضع علی و ارها فی رمضان ، یفطران و یطمعان مکان کل یوم مسکیناً و لا یقضیان صرماً » اگر زن حامله از سلامتی خود بترسید و یا زن شیرده از سلامتی طفلش بترسید ، هر دو، روزه را بخورند و برای هر روز ، روزه طعام یک نفر فقیر (مسکین) را بدهند و لازم نیست روزه را قضاء کنند

امام ابو حنیفه (رحمة الله علیه) میفرماید :

اگر زنی حامله یا شیرده از روزه گرفتن بترسد جایز است افطار کند فرق نمی کند که خوف او بر خودش و طفل اش و یا تنها بر خودش و یا تنها بر طفل اش باشد ، و در صورت که قدرت یافت صرف بر او قضاء لازم است نه فدیة ، همچنان پیهم روزه گرفتن در ایامی که قضا می کند بر او لازم نمی باشد. این حکم برای زنی که فرزند خود را شیر میدهد وزنی که برای شیر دادن اجیر شده فرقی ندارد زیرا اگر مادر طفل باشد شیر دادن به اساس دیانت بر او واجب است و اگر اجیر باشد شیر دادن به اساس عقد بر او واجب شده است .

احکام مریض در رمضان

علمای اهل حدیث می فرمایند:

اگر زن حامله از وجود خود بترسد و یا زن شیرده از سلامتی و جان بچه بترسد در آن صورت می تواند روزه را بخورد (روزه نگیرد) و فدیة بدهد و قضاء بر او واجب نیست.

حائض و نفاس در رمضان :

زنائیکه به دوره حیض و نفاس (1) باشند جواز ندارد که روزه دار گردند. اگر زن حائض وزنی که در نفاس است روزه بگیرند، روزه آنها صحیح نیست؛ چون یکی از شروط صحت روزه، پاکی از حیض و نفاس است و بر آنها قضا واجب است. در حدیث از بی بی عایشه (رض) روایت است: «کنا نحیض علی عهد رسول الله (ص) فنؤمر بقضاء الصوم ولا نؤمر بقضاء الصلاة» «مادر زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم به حیض می افتادیم، به مادستور داده می شد که تنها روزه را قضا کنیم نه نماز را» (صحیح سنن الترمذی: ۶۳۰)، (صحیح مسلم: ۳۳۵/۲۶۵/۱)، (سنن ابوداود: ۲۵۹ و ۲۶۰/۴۴۴/۱) زن هر زمانیکه از دوره خلاص شدند به تجدید نیت به گرفتن روزه اقدام نمایند.

زنانه حائضه و نفساء روزه فوت شده شانرا بعد از رمضان قضاء می آورند. (اگر دوره نسائی اش قبل از فجر صورت گیرد میتواند اول نیت و بعداً به گرفتن روزه اقدام نماید و اگر دوره نسائی آن بعد از فجر صورت گیرد در صورتیکه خواسته باشد میتواند در همان روز از خوردن و نوشیدن اباء و رزق. ولی روزه آن درست نبوده باید به قضاء آن مبادرت نماید. (قابل تذکر است آنعه از زنائیکه مریض به جریان دم متداوم مبتلاء اند (خارج از ایام حیض و نفاس) میتوانند روزه بگیرند. حتی نماز پنج گانه را بشرط آنکه برای هر نماز وضو جداگانه نماید، اداء نماید. اگر زن فقط یک لحظه قبل از شام حیض یا نفاس ببیند روزه اش باطل گردیده و باید آنرا قطع کند. اگر خون حیض یا نفاس برای لحظه یی هم قطع شود برای روزه نیت کند هر چند غسل را کمی به تأخیر اندازد.

تبصره :

باید دانست اگر روزه انسان فاسد شود باید از خوردن، نوشیدن و سایر شکننده های روزه به جهت احترام رمضان خود داری کند اما این حکم بر ای حائض و نفساء تطبیق نمیشود بلکه بروی لازم است که خوردن و نوشیدن خود را از چشم مردم پنهان نماید.

استعمال تابلیت غرض جلوگیری از عادت ماهانه :

برخی از خواهران غرض جلوگیری از عادت ماهانه در ماه مبارک رمضان، واینکه روزه بگیرند و در ختم تراویح اشتراک نمایند، تابلیت های مخصوصی را غرض دفع خونریزی استفاده مینمایند.

به این تعداد از خواهران باید گفت: پروردگار با عظمت ما حیض را برای دختران آدم قرار داده است و برای این دوره ماهانه حکمی، طوریکه فوقاً بدان اشاره نمودیم مقرر داشته است، پس زنائیکه که دوره حیض و نفاس و عادت ماهانه باشد، باید از گرفتن روزه اجتناب کنند، و نباید با خوردن تابلیت ها و استفاده از وسایل دیگر که

احکام مریض در رمضان

فطرت خلقت را بر هم زند، پناه ببرند .
زیر این عمل از یک طرف ضرر برای صحت و سلامتی جسمی زنان بیار می‌آورد ،
و از طرف دیگر هیچ ثوابی از گرفتن روزه نصیب شان نمی‌گردد . زیر این عمل سوء
راضی نشدن زنها به روند طبیعی خلقت خویش نشان می‌دهد .
خواهران متدین !
همچنان قابل یاد آوری میدانم که استفاده زن از تابلیت های که مانع از حیض می شوند،
در دین مقدس اسلام کدام مانع شرعی ندارد. به شرطی که برای سلامتی و تندرستی زن
مضر نباشند؛ و از طرف دیگر ، این عمل باید با اجازه شوهرش صورت گیرد .
ولی طب امروزی بدین باور است که این کار برای سلامتی زنان بی نهایت مضر بوده ،
و مشخص است که خون حیض، امری طبیعی است و هر گاه از امر طبیعی جلوگیری
شود، قطعاً برای بدن مضر خواهد بود.
همچنین این قرصها باعث می شوند تا عادت قاعدگی دچار اختلال و تغییر شود، و زن
در مورد نماز و همخوابی با همسرش دچار شک و تردید گردد .
برای یک زن مسلمان ، شایسته آن خواهد بود که به تقدیر الهی راضی باشند؛ در احادیث
متبرکه آمده است که در سال حجه الوداع پیامبر صلی الله علیه و سلم نزد عائشه آمد، در
حالی که عائشه گریه می کرد- عائشه برای ادای عمره احرام بسته بود- پیامبر صلی الله
علیه و سلم فرمود: « مَا لَكَ لَعَلَّكَ نَفْسَتْ؟ » « چه شده تو را! شاید حیض شده ای؟ »
گفت: بله؛ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « هَذَا شَيْءٌ كَتَبَهُ اللهُ عَلَى بَنَاتِ آدَمَ » « این
چیزی است که خداوند برای زنان مقدر نموده است » (البخاری (305) و اطراف فی
(294)، و مسلم (1211)

پس بهتر است زنان صبر نمایند و اگر روزه گرفتن و نماز خواندن برای آنها به سبب
حیض مشکل است، اما دروازه ی ذکر باز است، پس به ذکر و تسبیح خدا پردازند و
صدقه بدهند و با کردار و گفتار به مردم نیکی کنند، و این از بهترین اعمال است.

دیابت یا مریض شکر در رمضان

خواننده محترم !

مریضی شکر یا (دیابت) از جمله مریضی های است که : به علت ناتوانی بدن در تولید
یا مصرف انسولین بوجود می آید .
انسولین ماده ای است که در بدن توسط لوزالمعده تولید می گردد و باعث می شود قند یا
به عبارتی مهمترین منبع انرژی بدن مورد استفاده قرار گیرد.
انواع مریضی شکر (دیابت)

مرض شکر یا دیابت بر دو نوع است :

- 1- نوع اول مریضی شکر عبارت از آن است که شخصی مبتلا به آن لازم است جهت
ادامه حیات خود، انسولین در بدن خویش پیچکاری کند . این نوع مریضی شکر معمولاً
در بین اطفال و جوانان زیاد وجود می آید .
- 2- نوع دوم مریضی شکر مریضی است که در کلان سالان ، بخصوص اشخاص سنین
40 دیده میشود .

این نوع از مرض شکر معمولاً با رژیم غذایی ، فعالیت جسمی (سپورت) و یا گرفتن

احکام مریض در رمضان

دوا شکر ، تحت کنترل می آید ، ولی در برخی از انسانها در این سن وسال ضرورت به پیچکاری انزولین نیز دیده میشود.

در دیابت نوع دوم چه اتفاقی رخ می دهد؟

در شخصیکه مبتلا به این نوع دیابت، سلول های بدن حساسیت لازم نسبت به هورمون انسولین را ندارند و پس از مدتی لوزالمعده نیز در تولید انسولین به مقدار کافی، مشکل پیدا می کند. بدون وجود حساسیت لازم به انسولین یا در صورت کمبود ترشح انسولین، بدن نمی تواند قند موجود در خون را به داخل سلول حرکت دهد؛ بنابراین قند خون بالا می رود و افزایش قند خون سبب پیدایش مشکلاتی در فرد مبتلا می گردد.

علامت ها و نشانه های دیابت نوع دوم چیست؟

این نوع دیابت معمولاً به آهستگی پیشرفت می کند. علامت های اصلی آن پرادراری، تشنگی بیش از حد، کاهش وزن قابل توجه، افزایش اشتها و خستگی زودرس و شدید است. علامت ها و نشانه های دیگر عبارتند از:

- عفونت های مکرر دهان، پوست، ناحیه تناسلی یا مثانه
- ضعف بینایی
- سوزش ، گزگز و سوزنگ شدن انگشتان دست یا پاها
- خشکی و خارش پوست این علامت ها ممکن است خفیف باشند به طوری که فرد متوجه آنها نگردد.

در سالمندان گاهی این علامت ها فقط به سن بالا نسبت داده می شود و تشخیص دیابت به تأخیر می افتد.

نکته قابل توجه بخصوص در کشور ما افغانستان این که بیش از نیمی از مبتلایان به دیابت از مریضی خود بی خبرند و اصلاً نمیدانند که مرض شکر چیست !

مسئولیت مریض شکر در ماه مبارک رمضان :

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم در این هیچ جای شک نیست که مریضی شکر از جمله امراض مزمن ویکی از امراض است که اگر برایش دقت و توجه لازم بعمل نیاید خطرات جدی را در سلامتی انسان بیار میآورد ، مرض شکر بمثابة ام امراض بحساب می آید که در صورت پیشرفته شدن این مرض در وجود انسان بر انجام بعضی از عبادات تاثیر می گذارد؛ از جمله طهارت ، نماز و روزه، چرا که روزه انسان را در طول روز از خوردن و آشامیدن منع می کند، و اشخاصیکه مبتلا به مریضی شکر (دیابت) باشد در طول روز نیاز به نوشیدن مقدار زیادی آب در اوقات متعدد دارند. همچنین نیاز دارند تا مقداری غذا را در اوقات مختلف صرف کند ، و تشنگی شدید گاهی موجب افزایش مریضی می گردد و ممکن است عوارض جدی در سلامتی وجود انسان دربر داشته باشد.

در صورتیکه یک فرد مسلمان واقعاً در وقت مریضی به مشقت مبتلا گردد ، پروردگار با عظمت ما برای مسلمان اجازه فرموده تا روزه نگیرد .
«وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»
(سوره البقرة/185). یعنی: و آن کس که مریض یا در سفر است، روزه های دیگری را به جای آن، روزه بگیرد، خداوند، آسانی بر شما را می خواهد، نه سختی بر شما را.

احکام مریض در رمضان

اما با این وجود مریضی شکر (دیابتی) نمی تواند بخاطر داشتن مرض قند روزه نگیرد، چراکه مریضان مبتلا با شکر نوع دوم به سه کتگوری تقسیم میشوند:

کتگوری اول:

از مریضان اند، که مبتلا به مریضی شکر دارند ولی میتوانند با تطبیق پلان (رژیم غذای منظم و سپورت منظم و فعالیت های جسمی) بر مریضی خویش غالب شوند و یا به اصطلاح آنرا تحت کنترل در آورند و در اصطلاح طبیبی، این دیابت از نوع خفیف است و حکم شرعی و مکلفیت شرعی برای این مریضان همین است که باید روزه بگیرند، چرا که مریضی شان به حدی نیست که: روزه گرفتن سلامتی جسمی آنرا متضرر سازد.

کتگوری دوم:

کتگوری دوم مریضان شکر، مریضان آند که برای آنها داروهایی همراه با یک پروگرام منظم غذایی مشخص تجویز می شود تا مقدار قند خون را کاهش دهند. مریضان کتگوری دوم را میتوان باز هم بدو گروه دسته بندی نمود.

1- گروه اول:

گروه اول این دسته عبارت از مریضان اند که ضرورت دارند یکبار باید دوا ضد شکر بگیرند، بر این نوع از مریضان لازم که باید روزه بگیرند، زیرا آنها می توانند دوا خویش را در فاصله بین مغرب تا قبل از اذان صبح قرار دهند.

2- گروه دوم:

عبارت از مریضان هستند که ضرورت دارند در طول روز دو یا سه بار تابلیت بگیرند، در اینحالت اگر امکان آن وجود داشته باشد که مصرف آن تابلیت ها به بعد از اذان مغرب و قبل از اذان صبح منقل شود، بدون آنکه زیانی جدی بر مریض وارد شود، پس باید روزه اش را بگیرد، ولی اگر تاخیر در خوردن آن دواموجب زیان جدی می شود، او می تواند روزه نگیرد و در عوض در وقت مناسبی بعد از رمضان که مشکل مریضی اش خفیف گردد، آن روزها را قضاء کند.

برای تشخیص این موضوع که آیا تاخیر در مصرف دوا و قرص زیان آور نیست، طوریکه قبلاً یاد آور شدیم لازمست یک دکاتور متخصص مسلمان عادل نظر بدهد.

کتگوری سوم:

کتگوری سوم مریضان شکر عبارت از مریضان هستند که برای کنترل شکر خود، در طول روز یک یا دو بار و یا حتی بیشتر انسولین تزریق کنند.

اگر این مریضان با تزریق آمپول انسولین از خوردن قرص و دیگر دوا ها در طول روز بی نیاز می گردند، پس باید روزه بگیرند، زیرا تزریق بیچکاری انسولین باعث باطل شدن روزه نمی شود.

چنانچه علمای هیئت دائمی افتاء در پاسخ به سوال در خصوص حکم تزریق انسولین برای شخص روزه دار، پاسخ دادند: «ایرادی ندارد که از آمپول مذکور در طول روز جهت مداوا استفاده کند، و قضای آنروز بر او واجب نیست (زیرا روزه اش باطل نمی شود)، و البته اگر ممکن باشد که در شب استفاده شود و مشقتی در اینحالت بر او ایجاد نمی شود، این بهتر است». «برای تفصیل موضوع مراجعه شود به بحث فتاوی

احکام مریض در رمضان

« اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء » 252 / 10. « منتشره در (سایت عقیده) اما اگر نیاز دارند که بعد از تزریق انسولین، حتما غذا و آب نیز بخورند و بیاشامند، پس می تواند روزه نگیرد، در عوض در وقت مناسبی روزه اش را قضاء کند که مشکل او خفیف تر شده باشد.

یادداشت :

آن دسته از مریضان دیابتی که بر اساس تقسیم بندی فوق مشمول رخصت می شوند، لازمست تا بعد از رمضان در فرصت مناسبی که اوضاع مریضی آنها خفیف تر می شود، روزه خود را قضاء کنند. اما اگر مریض آنها تا آخر عمر از حالت شدید به خفیف کاهش نمی یابد و همواره مشمول رخصت نگرفتن روزه می مانند، در آنصورت نیازی نیست تا روزه های رمضان را قضاء کنند، کفایت تا بجای هر روز از رمضان، یک نفر فقیر یا مسکین را غذا بدهند، از همان غذایی که خود می خورند به او نیز بدهند، حکم صریح در این مورد فرموده الله تعالی است: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (سوره بقره 184).

یعنی: و هر کس از شما مریض یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ (همچون مریضان مزمن، و پیرمردان و پیرزنان ناتوان) لازم است فدیة بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید.

و می توانند سی نفر مسکین را به خوردن غذا دعوت کنند و فدیة یک ماه را همزمان و یا در عرض چند دفعه بدهند.

یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین :

حکم اسلامی همین است که : استعمال بیچکاری انزولین ، برای مریضان شکر که در زیر پوست بعمل می آید ، به هیچ وجه ، روزه را باطل نمی سازد ، از طرف دیگر پیچکاری انزولین ، از جمله پیچکاری خوراک و نوشیدنی نیست و بمعنی خوردن و نوشیدن هم نیست .

بنآ اگر مریض دیابت از پیچکاری انزولین در طول روز جهت مداوا مریضی خویش استفاده کند، روزه اش باطل نمی گردد و قضای روزه نیز بر آن واجب نیست .

امپول و پیچکاری در رمضان :

قبل از همه باید که تزریق پیچکاری به سه نوع صورت میگیرد :

1- تزریق در زیر پوست (subcutaneous-s.c) معمولاً برای پیچکاری انسولین استفاده میشود .

2- تزریق در داخل عضله (intramuscular-i.m)

3- تزریق در داخل رگ یا ورید (intravenous-i.v)

مراکز دارالافتاء کشور های اسلامی و از جمله علما شهیر جهان اسلام هر یک شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز و عالم شهیر کشور عربستان و شیخ محمد بن صالح العثیمین طی فتوای شرعی گفته اند که :

احکام مریض در رمضان

پیچکاری در زیر پوست (**subcutaneous-s.c**) و داخل عضله (**intramuscular-i.m**) شامل خوردن و یا آشامیدن نبوده و به مثابه خوردن و آشامیدن بحساب نمی آید ، بنابراین هر دو نوع پیچکاری ها روزه را باطل نمی کند . ولی در مورد پیچکاری که در رگ یا ورید (**intravenous-i.v**) بعمل می آید ، علماء در این نوع پیچکاری به چند دسته تقسیم گردیده اند .

دسته اول :

دسته اول از علماء بدین امر معتقد اند که این نوع از پیچکاری ، روزه را باطل می کند . از انجمله میتوان از شیخ سعدی ، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز ، و شیخ ابن عثیمین ، و مجمع فقه اسلامی نام برد . این تعداد از علماء استدلال میاورند که پیچکاری رگ یا ورید در حکم مشابهاًت به خوردن و آشامیدن است . و انسان را از خوردن و آشامیدن بی نیاز می سازد .

دسته دوم :

دسته دوم علماء بدین نظر اند که پیچکاری رگ یا ورید روزه را باطل نمی سازد ، زیرا چیزی از آن طریق مجاری طبیعی به معده نمی رسد و به فرض رسیدن آن به معده ، این کار از طریق منافذ انجام می گیرد و این منافذ نه شکم هستند و نه در حکم آن می باشند تا اینکه بگوییم چیزی وارد شکم شخص شده است .

نتیجه و حکم دقیق اسلامی :

در مورد پیچکاری ورید و یا رگ حکم دقیق اسلامی همین است که این نوع از پیچکاری ، روزه را باطل میسازد ، زیرا برای باطل کردن روزه دخول به شکم شرط نیست ، بلکه حصول تغذیه برای بدن از هر طریقی که باشد روزه را باطل می کند .

یادداشت ضروری :

پیچکاری که از راه رگ و یا ورید غرض بیهوشی (**Anesthesia**) است (انستزی) مورد استفاده قرار میگیرد ، روزه را باطل نمی سازد .

ولی باید خاطر نشان ساخت که بیهوشی به اثر انستزی به چند نوع است :

الف: بی حسی جزئی از طریق بینی:

که در این حالت مریض یک ماده گازی را بو می کند و آن ماده بر اعصاب وی تأثیر گذاشته و شخص بی حس می شود . این گونه بی حسی روزه را باطل نمی کند زیرا ماده گازی وارد شده به بدن نه وزنی دارد و نه محتوی مواد مغذی است .

ب: بی حسی جزئی چینی:

این نوع بی حسی به چین منسوب است و به این ترتیب انجام می گیرد که سوزن خالی به مراکز احساس در زیر پوست زده می شود و نوعی از غده های موجود را به ترشح مورفین طبیعی که در بدن وجود دارد ، تحریک می کند . و به دنبال آن مریض قدرت احساس را از دست می دهد .

این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و نه کلی ، روزه را باطل نمی کند ، زیرا چیزی وارد شکم نمی شود .

ج: بی حسی از طریق توقف جریان خون:

به این ترتیب که به کمک یک داروی گیاهی - که سریع تأثیر می‌کند - جریان خون متوقف شده و برای چند ثانیه مریض بی حس می‌شود. این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و تمام بدن را بی حس نکند روزه را باطل نمی‌سازد، زیرا چیزی وارد شکم نمی‌شود.

د: بی حسی کلی:

در مورد بی حسی کلی علماء اختلاف نظر دارند. و علمای متقدم نیز در بحث از «مغمی علیه = بیهوش» به آن پرداخته‌اند.

در مورد بیهوش گفته شده که دو حالت دارد:

1- شخص تمام روز را بیهوش باشد و هیچ لحظه‌ای از روز را هوشیار نباشد: در این صورت روزه چنین شخصی از دیدگاه جمهور علماء صحیح نیست.

زیر پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک حدیث قدسی از خدا نقل می‌فرماید که: «یدع طعامه وشهوته من أجلي» یعنی: ... طعام و شهوت (و اشتهايش) را به خاطر من رها می‌کند.

در حالی که در مورد بیهوش نمی‌توان گفت: به خاطر خدا روزه گرفته، چون بیهوش بوده و اصلاً قدرت تصمیم‌گیری ندارد.

2- شخص تمام روز را بیهوش نباشد: علماء در این باره اختلاف نظر دارند:

دیدگاه صحیح این است که اگر بخشی از روز را به هوش بیاید، روزه‌اش صحیح است و امام احمد و امام شافعی بر این رأی بوده‌اند.

امام صاحب مالک، روزه چنین شخصی را به طور مطلق باطل می‌داند.

امام صاحب ابوحنیفه می‌گوید:

اگر قبل از زوال آفتاب (از وسط آسمان) به هوش آید، تجدید نیت نموده و روزه‌اش صحیح می‌باشد.

رأی امام احمد و امام شافعی درست است زیرا نیت روزه‌ای که امام ابوحنیفه از آن صحبت می‌کند، برای بخشی از روز خواهد بود.

استعمال دوا زیر زبان برای مریضان قلب

قبل از همه باید گفت: آن‌عه از مریضان قلبی که تابلیت برای مداوای حمله‌های ناگهانی قلب زیر زبان می‌گیرند، روزه‌شان باطل نمی‌گردد، زیرا، به مجرد گذاشتن این تابلیت در زیر زبان، جذب (بدن) شده و خون آنها را به قلب می‌رساند و در نتیجه، از حمله ناگهانی قلب جلوگیری بعمل می‌آورد، و درد قلب بهبود می‌یابد. بناً این تابلیت‌ها روزه را باطل نمی‌کنند و استفاده از آنها برای روزه‌دار جایز است زیرا آنها در دهان جذب شده و به شکم نمی‌رسند بنابراین باطل‌کننده روزه نیستند.

اسپری تنفسی در رمضان:

اسپری تنفسی عبارت از اسپری است که: محتوی یک مایع دارویی متشکل از آب، اکسیژن و بعضی از مواد دارویی است.

در مورد اینکه این اسپری باطل‌کننده روزه است یاخیر، علمای معاصر اسلامی در مورد آن اختلاف نظر دارند:

احکام مریض در رمضان

دیدگاه اول:

گروهی از علماء قائل به عدم بطلان روزه توسط این (اسپری تنفسی) هستند، از جمله: شیخ عبدالعزیز بن باز، شیخ محمد عثیمین، شیخ عبدالله بن جبرین و هئیت دائمی افتاء. این گروه برای دیدگاه خود چندین دلیل ارائه می‌دهند؛

الف:

به اجماع علماء، روزه دار می‌تواند مضمضه (گردانیدن آب در دهان و غرغره کردن آن) و استنشاق (آب انداختن به بینی) کند، در حالی که با مضمضه کردن آب، مقداری از باقیمانده آن در دهان باقی می‌ماند و به همراه بزاق و لعاب دهان وارد معده می‌شود. آنچه که از طریق کپسول تنگی نفس نیز به مری و از آنجا به معده می‌رسد، اندک است و می‌توان آن را بر آب اندک باقیمانده از مضمضه قیاس کرد. توضیح اینکه:

حجم مایع دارویی در هر کپسول 0/5 میلی لیتر است و این مقدار خیلی ناچیز بود، و بر آب باقیمانده از مضمضه قابل قیاس است.

ب:

دخول چیزی از کپسول تنگی نفس به معده، یقینی نبوده و بلکه محل تردید است، بنابراین اصل بر صحت روزه و عدم ابطال آن توسط این کپسول می‌باشد زیرا یقین با شک زایل نمی‌شود.

ج:

استفاده از این کپسول به مثابه خوردن و یا آشامیدن چیزی نیست و بلکه به سان گرفتن (مقداری) خون برای آزمایش و یا شبیه آمپول غیرمغذی است (مراد آمپولی است که به پوست و یا ماهیچه تزریق می‌شود و به مثابه تغذیه نیست و در مقابل آن تزریق در رگ وجود دارد که تغذیه محسوب می‌شود).

د:

اطباء می‌گویند که سواک مشتمل بر هشت ماده شیمیایی است. با این وجود، بنابر قول راجح استفاده از آن برای روزه‌دار به طور مطلق جایز است در حالی که رسیدن مقداری از آن مواد به معده بدیهی است. رسیدن مایع دارویی به معده نیز در حکم سوال است.

دیدگاه دوم:

گروه دیگری از علماء استفاده از اسپری تنگی نفس را برای روزه دار ممنوع می‌دانند و می‌گویند: در صورت اضطرار باید از آن استفاده کند و بعداً روزه‌اش را قضا نماید. این گروه برای اثبات نظریات و فتاوی حکمی خویش استدلال می‌آورند: محتوای کپسول از طریق دهان به معده می‌رسد و لذا روزه را باطل می‌کند. در جواب ایشان باید گفت: حتی به فرض رسیدن محتوای کپسول به معده، این مقدار رسیده خیلی ناچیز بوده و می‌توان آن را بر باقیمانده آب مضمضه قیاس کرد و لذا دیدگاه اول راجح است.

استعمال قطره چکان ها در رمضان :

خواننده محترم !

استعمال قطره چکان ها (از قبیل قطره چکان گوش ، ، قطره چکان بینی ، و قطره چشم) و سرمه ، ملحم باب از موضوعات مهمی در ماه مبارک رمضان بشمار میرود . اینک در ذیل به تفصیل هرکدم شان به تفصیل می پردازیم .

قطره چکان بینی :

در مورد قطره چکان بینی که آیا روزه را باطل می سازد یا خیر علماء اسلامی به دو دسته تقسیم گردیده اند :

دسته اول :

گروه اول از علماء طی فتوای حکم صادر نموده اند که با استعمال قطره چکان بینی روزه باطل میگردد که در آن جمله میتواند از شیخ ابن باز و شیخ ابن عثمان نام برد . این تعداد از علماء در اثبات فتوای خویش به حدیث مرفوع لقیط بن صبره استدلال کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «وبالغ فی الاستنشاق إلا أن تكون صائماً» یعنی: در استنشاق مبالغه و زیاده روی کن مگر وقتی که روزه ای. این حدیث به صورت ضمنی بیان می کند که بینی به معده راه دارد و در این صورت استعمال قطره بینی برای شخص روزه دار ممنوع است.

نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم از مبالغه و زیاده روی در استنشاق، متضمن نهی از دخول چیز اندک نیز می باشد زیرا حتی در صورت زیاده روی در استنشاق نیز مقدار ناچیزی از آن وارد بدن می شود.

دسته دوم :

در دسته دوم علمای قرار دارند که طی فتوای خویش حکم فرموده اند که : قطره چکان بینی روزه را باطل نمی کند.

قائلان به این قول قطره بینی را بر باقیمانده مضمضه قیاس نموده اند زیرا مقدار بسیار ناچیزی از این قطره به معده می رسد. حجم این قطره 0/06 سانتی متر مکعب بوده و تازه از این حجم نیز مقدار خیلی ناچیزی به معده می رسد که از آن چشم پوشی می شود. به علاوه اصل بر صحت روزه است و بطلان روزه توسط قطره بینی محل تردید است، بنابراین اصل، صحت روزه می باشد زیرا یقین با شک زایل نمی شود. هر دو دیدگاه مستدل و قوی هستند.

قطره چکان گوش :

علمای پیشین در مورد « تداوی از طریق ریختن آب در گوش مریض » در ماه مبارک بحث نموده و در مورد نظریات اجتهادات فقهی خویش را بیان داشته اند : از جمله جمهور علماء در مورد قطره چکان گوش در ماه مبارک رمضان میفرمایند که ریختن قطره چکان در گوش روزه باطل می گردد . حنبلی ها می گویند: وقتی به مغز برسد روزه را باطل می گردد .

در مقابل عالم وفقهی شهیر جهان اسلامی شیخ ابن حزم اندلسی در مورد قطره چکان گوش میگوید که: قطره چکان گوش روزه را باطل نمی سازد زیرا قطره چکان گوش به مغز نمی رسد و صرف به منذهای پوست می رسد.

احکام مریض در رمضان

طوری که طب امروزه این را به اثبات رسانیده که: مجرای بین گوش و مغز وجود ندارد که مایعی از گوش به مغز برسد مگر صماخ گوش پاره شود. پس رای صحیح همین است که: قطره چکان گوش روزه را باطل نمی‌کند.

یادداشت:

در صورتی که صماخ گوش پاره شود، مداوا از طریق گوش حکم مداوا از طریق بینی را می‌یابد یعنی قطره چکان گوش حکم قطره چکان بینی را خواهد داشت که حکم آن گذشت.

سایر داروی پاک‌کننده گوش:

دوای پاک‌کننده گوش حکم قطره چکان گوش را داشته، مگر اینکه صماخ گوش پاره باشد که علماء می‌گویند: در این حالت مقدار زیادی از این ماده وارد بدن خواهد شد و لذا روزه باطل می‌شود. بنابراین دو حالت پیدا می‌کند:

الف: وقتی صماخ گوش سالم باشد، داروی پاک‌کننده گوش روزه را باطل نمی‌کند.

ب: وقتی صماخ گوش پاره شده باشد، این دارو روزه را باطل می‌کند، چون مقدار زیادی از آن وارد بدن می‌شود.

قطرچکان چشم:

علمای متأخر در مورد قطره چکان چشم اختلاف نظر دارند که این خود ناشی از اختلاف نظر علمای متقدم در مورد سرمه است. در مورد سرمه دو دیدگاه وجود دارد؛

دیدگاه اول:

سرمه (کشیدن) روزه را باطل نمی‌کند. علمای مذهب امام ابوحنیفه و علمای مذهب امام شافعی این دیدگاه را پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که مجرای بین چشم و شکم وجود ندارد پس روزه را باطل نمی‌کند.

دیدگاه دوم:

علمای مذهب امام مالک و علمای مذهب امام حنبل بدین باور اند که: سرمه (کشیدن) روزه را باطل می‌کند. و استدلالشان این است که بین چشم و شکم مجرای وجود دارد. و علمای متأخر نیز بر همین مبنا اختلاف نظر پیدا کرده‌اند:

دیدگاه اول:

قطره چکان چشم روزه را باطل نمی‌کند. این دیدگاه را ابن باز: و ابن عثیمین: پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که یک قطره از این درمان 0/06 سانتی متر مکعب حجم دارد و همه این مقدار نیز به معده نمی‌رسد، بلکه در اثنای عبور از مجرای اشک کل دوا جذب شده و حتی به حلق نمی‌رسد. و اگر هم بگوییم: مقداری از آن به معده می‌رسد، باز این مقدار به حدی اندک است که مورد چشم‌پوشی قرار گیرد زیرا مقدار ناچیز مثل آب باقیمانده از مضمضه مورد چشم‌پوشی واقع شده است و به علاوه نه دلیل منصوصی وجود دارد که این قطره را باطل‌کننده روزه بنامد و نه قطره بر باطل‌کننده‌های منصوص قابل قیاس است.

دیدگاه دوم:

قطره چکان چشم بر سرمه قابل قیاس است و بنابراین روزه را باطل می‌کند. رای صحیح این است که قطره چشم روزه را باطل نمی‌کند. اگر چه طب امروزه ثابت

احکام مریض در رمضان

کرده که مجرای از طریق بینی، بین چشم و شکم وجود دارد، ولی قطره چکان چشم در اثنای عبور از مجرای اشک جذب شده و چیزی از آن به حلق نمی‌رسد و بنابراین به معده نمی‌رسد و حتی اگر هم برسد آن قدر ناچیز می‌باشد که بتوان از آن چشم‌پوشی کرد، همچنانکه از آب باقیمانده از مضمضه چشم‌پوشی شده است.

و قیاس آن بر سرمه برای اثبات باطل کننده بودن قطره چشم صحیح نیست، زیرا: ثابت نشده که سرمه روزه را باطل می‌کند و حدیث روایت شده در این باره ضعیف است. این قیاس، بر چیزی است که خود محل اختلاف است. دلایل دیدگاه مخالف در این باره راجح است.

چشم دردی و استعمال سرمه در رمضان :

چشم از مهمترین اعضای بدن است، و یکی از نعمت های که از جانب پروردگار برای ما انسانها آعطا گردیده است ، چشم نسبت به سایر اعضای بدن خیلی حساس است، که حفظ و مراقبت آن بر انسان واجب میباشد .

چشم به دلیلی بحیث حساس‌ترین عضو بدن نامیده می‌شود، چون پر از گیرنده‌های عصبی درد است، یعنی انتهاهای بسیار حساس و ظریفی که این اندام حیاتی را محافظت می‌کنند. وجود این گیرنده‌ها باعث می‌شود که جزئی‌ترین چیزها، مثل جریان هوای سرد، هوای خشک و گرم ، و قلت مایعات عصب های موجود در چشم را تحریک کنند و بدین وسیله پیام درد به مغز با سرعت خاصی ارسال گردد ، همچنان سایر عفونت ها عفونت سینوس‌ها ماهیچه‌های مجاور را ملتهب کرده و باعث ایجاد دردی نبضی و گاهی شدید در پشت حدقه چشم می‌شود که حرکات ساده کره چشم را مشکل می‌کند .

استعمال سرمه غرض تداوی چشم دردی در رمضان :

علماء میگویند که غرض دفع چشم دردی اگر سرمه استعمال گردد (اگرچه سیاهی سرمه در بلغم هم دیده شود) روزه را فاسد نمی سازد .

در کتب احادیث آمده است : که در ایام ماه مبارک رمضان یکی از صحابه که از درد چشم سخت می نالید نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد . و برای آنحضرت گفت : که چشمم سخت درد میکند اجازه دارم که سرمه استعمال نمایم ، آنحضرت در جواب اش گفت : بلی تو میتوانی سرمه را استعمال نمایی .

همچنان در حدیث از ام المؤمنین عائشه (رض) روایت گردیده : « أن النبی (ص) اکتحل فی رمضان وهو صائم » (پیامبر صلی الله علیه وسلم سرمه کرد در رمضان در حالیکه روزه بود.) (روای حدیث ابن ماجه)

هكذا باید گفت که چشم منفذ برای معده نمی باشد . اگرچه برخی از فقها به این نظر اند که بهتر و احسن است که استعمال همچو اشیا ء در شب و قبل از سحری صورت بپذیرد .

قورت کردن بلغم در روزه :

در مورد اینکه اگر روزه دار در ماه مبارک رمضان بلغم خود را قورت کند ، روزه اش فاسد میشود یا خیر ، فقها و علمای اسلام در مورد اختلاف رای دارند . ولی رای صحیح آنست که روزه با بلعیدن بلغم باطل نمی شود، زیرا بلغم در حکم خوردن و نوشیدن قرار نمی گیرد.

احکام مریض در رمضان

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می فرماید: «.. و هرگاه علماء اختلاف داشتند مرجع (برون رفت از این اختلاف) کتاب و سنت است، و اگر شک داشتیم در اینکه آیا فلان امر، عبادت را باطل می کند یا خیر؟ اصل بر عدم افساد (آن عبادت) است، و بر این مبنا بلعیدن بلغم روزه را باطل نمی کند.

و مهم آنست: شخص از بلغم پرهیز کند و سعی نکند که (عمدا) آنرا از پایین حلقش به داخل دهانش بیاورد، اما اگر بلغم داخل دهان شد باید آنرا خارج گرداند چه روزه باشد یا نباشد. اما فاسد شدن روزه (توسط آن) نیاز به دلیلی دارد که برای انسان نزد الله عزوجل بعنوان مبطل روزه حجت گردد».

« برای معلومات مزید مراجعه شود به مجموع الفتاوی « (356/19) .

شیخ ابن عثیمین می افزاید :

«قول راجح آنست که بلغم روزه را باطل نمی کند حتی اگر داخل دهان گردد و شخص آنرا ببلعد، اما نباید آنرا ببلعد، زیرا اهل علم (بلعیدن آنرا) حرام دانستند، زیرا بلغم شیئی کثیف است و شایسته انسان نیست که (کثافات) را ببلعد». « لقاء الباب المفتوح » لقاء رقم (153) .

شستو شوی رحم زن در رمضان :

موضوع شستو شوی رحم زن در ماه مبارک رمضان از جمله موضوعات است که هم علماء متقدم و متاخر در باره حکم این مساله بحث نموده اند . بر خی علماء شستوشوی رحم زن را با معاینات مقعدی مشابه مینمایند . در ذیل به اختصار نظریات فقها جمعبندی مینمایم :

دیدگاه اول:

مالکی ها و حنبلی ها می گویند: اگر زن مایعی را در فرج بچکاند، روزه اش باطل نمی شود، با این استدلال که مجرای فرج زن را به درون شکم وی متصل نمی کند.

دیدگاه دوم:

حنفی ها و شافعی ها می گویند: روزه زن با این کار باطل می شود، با این استدلال که فرج وی به مثانه متصل می باشد.

نظر طب امروزی :

طب امروزی میگوید : هیچ منفذی بین آلت تناسلی زن و درون شکم وی وجود ندارد و بر این اساس استعمال شیاف بنزد آنان روزه را باطل نمی سازد .

حکم بیهوشی در رمضان:

خواننده محترم !

قبل از همه باید گفت که بیهوشی نوعی شلی عضلات بدن است که با خواب و بی دردی همراه است.

بیهوشی با خواب متفاوت است، مثلا در خواب اگر برای انسان سر دردی پیدا شود ، سریع از خواب بیدار میشویم اما در بیهوشی اگر حتی عضوی از بدن درد هم ویا هم بر عمق اعصاب فشار هم بیاورند انسان بیهوش دردی را احساس نخواهد کرد .

درد چیست :

اطباء در تعریف درد مینویسند : درد یک حس ناخوشایند همراه با هیجان (اضطراب)

احکام مریض در رمضان

است، به همراه آسیب بافتی. همیشه ذهنی است و رابطه‌ی مستقیمی با حافظه دارد. درد یک مکانیسم دفاعی است.

انواع بیهوشی:

اطباء بیهوشی را بصورت عموم بدونوع تقسیم نموده اند .

اول بیهوشی منطقه ای :

این بیهوشی معمولاً در برخی از عملیات جراحی که فقط همان موضع مورد عمل بی حس می شود.

دوم بیهوشی عمومی:

که شامل کل بدن بیهوش می شود.

اگر در ماه مبارک رمضان شخصی روزه دار بیهوش گردد آیا روزه اش باطل میگردد یا خیر ؟

بر طبق مذهب امام شافعی و امام احمد، هرکس در رمضان دچار بیهوشی شود خارج از دو حالت زیر نخواهد بود:

اول:

یا در تمام طول روز در بیهوشی به سر می برد، به این معنی که قبل از طلوع فجر (اذان صبح) بیهوش شده و تا بعد از غروب آفتاب به هوش نمی آید.

در اینحالت روزه او صحیح نیست، و باید آنروز را بعد از رمضان قضاء کند.

و دلیل بر عدم صحت روزه او اینست چون روزه عبارتست از امساک و پرهیز از مفطرات به همراه نیت روزه داشتن، به دلیل فرموده الله تعالی در حدیث قدسی که می فرماید: « يَتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِ ». بخاری (1894) و مسلم (1151). یعنی: روزه دار، خوردن، آشامیدن و ارضای تمایلات جنسی را بخاطر من، ترک می کند.

که در این حدیث قدسی، خداوند متعال ترک خوردن غذا و نوشیدنی را به روزه دار اضافه کرده، درحالیکه در شخص بیهوش نمی توان این ترک را اضافه کرد. و دلیل بر وجوب قضاء روزه بر او، این فرموده الله تعالی است « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » البقرة/ 184. یعنی: پس هرکسی از شما بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد.

دوم:

هرگاه کسی بیهوش شود ولی در طول روز قسمتی از آنرا - هر چند برای لحظه ای - به هوش باشد، در اینحالت روزه اش صحیح است، حال چه در ابتدای روز بهبود یابد یا در وسط روز یا در آخر آن..

امام نووی رحمه الله در کتاب المجموع خود بعد از ذکر اختلاف علما در این مسئله می گوید: «صحیح ترین اقوال اینست که: بهبود یافتن در جزئی از روز شرط (صحت روزه بیهوش) است». (المجموع (346/6).

و دلیل صحت روزه او در اینحالت اینست چون مختصری جزئی از امساک از مفطرات در او یافت شده است.

خلاصه اینکه:

هرگاه کسی از وقت طلوع فجر تا غروب آفتاب بیهوش باشد، روزه او صحیح نیست و باید آنرا قضاء کند، اما اگر برای مدت کوتاهی در روز بهبود یابد، همین کافیست تا بگوییم روزه او صحیح است.

و این رای مذهب امام شافعی و احمد و رای برگزیده علامه ابن عثیمین رحمهم الله است. نگاه کنید به کتابهای: المجموع (346/6)، والمغنی (344/4)، الشرح الممتع (365/6).

سردردی شدید در رمضان :

میگرن یکی از علل سردردی است. سردردی میگرن در بین انسانها متفاوت بوده، در برخی از انسانها قوت درد سر بیشتر و در برخی دیگر مقدار سردردی خفیفتر است. ولی مریضان میگرن در آغاز توام با دل بدی و استنفراق و اختلالات بینایی میباشد. در مریضان میگرن در برخی از اوقات درد شدید در نواحی گردن آغاز می یابد، که با تکان دادن سر این درد تشدید می یابد.

اطباء بدین امر معتقد اند که علامه بارزه مریضان میگرنی طوریکه در فوق یاد اور شدیم در ابتدا، علایم دل بدی و استنفراق است، ولی در مراحل بعدی با تکرار سر دردی، مصابین کمتر مواجه به دل بدی و استنفراق میشوند. حملات مریضی میگرن معمولا در ابتدای صبح و یا قبل از آن شروع میشود.

علت اساسی سردردی میگرن تا هنوز مشخص نشده است. ولی طی تحقیقات که اطباء بعمل آورده اند، این مریضی در اثر تورم رگ های خونی و اعصاب اطراف مغز که به ساقه مغز معروف اند ایجاد می شود. طب امروزی بدین نتیجه رسیده که: ماده شیمیایی موجود در مغز به نام سروتونین نقش اساسی و اصلی را در این مریضی بازی میکند.

همچنان تعداد دیگری از محققین میگویند که: نقص ژنتیکی می تواند در بروز این مریضی نقش فعالی داشته باشد.

میگرن یک سردرد تپش دار است که می تواند در یکسو یا هر دو سوی سر ایجاد شود. حمله میگرن گاهی به وسیله برخی از فعالیتها، غذاها، بوها و حتی احساسات تحریک شده بروز می کند.

همچنین برخی از مریضان زمانیکه دچار استرس می شوند، حمله میگرن به سراغ آنها می آید در حالی که عده ای دیگر پس از این که استرس آنها رفع شد، دچار حمله میگرنی می شوند.

به همه حال مریضی میگرن یا سردردی مرضی بدی و طاقت فرسا است که خداوند مازاز نگاه دارد.

مریض میگرن و روزه :

طوریکه گفته آمدیم سردردی شدید یا میگرن یکی از امراض مزمن است که دین مقدس اسلام خوردن روزه در آن مباح و جایز میداند، بخصوص که روزه گرفتن موجب تشدید سردردی بیشتری برای روزه دار شود، پس برای انعه اشخاصیکه مبتلا به سردردی شدید اند، مانع دیده نمیشود که: روزه شان را بخورند، و میتوانند غرض دفع سردردی از دواء و درمان استفاده کنند، و یا هم غذایی بخورند تا از این سردردی نجات یابد، و

احکام مریض در رمضان

البته بر او لازم است تا روزه اش را در وقت مناسبی قضاء کند، چون خداوند متعال فرمودند: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (سوره البقرة/ 184) یعنی: پس هرکسی از شما مریض یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد.

جایز است، کسیست که روزه گرفتن موجب افزایش تب شدید او، یا چشم درد و یا سردرد می گیرد». (برای معلومات مزید مراجعه فرماید به کتاب الجوهرة النبيرة) (142/1).

مریضی صرع (epilepsy) و رمضان:

صرع (epilepsy) نوعی از مریضی است، که در آن اختلالات فعالیت الکتریکی طبیعی مغز موجب بروز حمله های تشنجی کوتاه مدت گردیده، و مریض هوشیاری خویش را برای مدتی کوتاه از دست میدهد. و این عمل در انسان، ناشی از مشکلات سیستم عصبی می باشد که با بیهوشی و یا تشنج همراه با بیهوشی ظاهر میگردد. تشنج به علت قطع ناگهانی فعالیت زیاد مغز و یا تورم و چسبندگی و زخم در مغز بوجود می آید.

در مریضی صرع این نقطه را باید از یاد نبریم، که صرع بر قدرت فکری و ذهنی شخص اثری قوی بجا می گذارد.

صرع می تواند اولیه (ایدیوپاتیک) یا ثانویه باشد. در صرع ثانویه، علت صرع مشخص بوده و صرع در واقع نشانه ای از یک اختلال زمینه ای دیگر مثل تومور مغزی می باشد.

اطبا بدین عقیده اند که بیشترین اشکال صرع در دوران کودکی به وقوع می پیوندد. بهبود روند درمان اختلالات عروقی مغزی، آسیب دیدگی های سر، تومورهای مغزی، مننژیت ها و انسفالیت ها سبب شده تا تعداد مریضان که پس از بهبودی با خطر تشنج روبرو می شوند، افزایش یابد.

گرچه شواهدی وجود دارد که نشان می دهد حساسیت نسبت به برخی انواع صرع جنبه ی ارثی دارد، اما علت بروز صرع و حملات تشنجی در بسیاری از مردم تا هنوز نامعلوم است.

شایعترین نوع صرع، صرع اصلی (Grand mal) است. این صرع هنگامی رخ می دهد که مناطق حرکتی مغز دچار عارضه شده است و اسپاسمهای شدید و بیهوشی را دربردارد.

حکم مریضان صرع در رمضان:

علماء و فقها بدین عقیده اند که: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان به حملات بیهوشی از اثر مریضی (صرع) (epilepsy) مواجه شود. و برای مدتی کوتاه و یا چند ساعت دچار بیهوشی موقتی شود، روزه بر او ساقط نمی شود و بر وی واجب است همچون دیگران روزه بگیرد.

شیخ ابن باز رحمه طی فتاوی میفرماید: «اگر روزه دار برای چند ساعت بیهوش شوند، پس باید روزه اش را بگیرد، (و او) مانند کسی که مدتی می خوابد (است)، و لذا به هوش رفتن او در بعضی از اوقات در اثنای روز یا شب مانع از ساقط شدن روزه بر او نمی شود». (برای مزید معلومات مراجعه فرماید به فتاوی الشیخ ابن باز (210/15))

احکام مریض در رمضان

بناباید گفت اگر روزه داری در ماه مبارک رمضان مبتلا به مریضی صرع شود، و یا هم مریضی صرع داشته باشد، باید روزه اش را بگیرد. ولی نباید فراموش کرد که اگر اغماء و بیهوشی او مدت زمان زیادی به طول کشید، مثلا کل روز از اذان صبح تا غروب آفتاب به درازا کشید، در اینصورت روزه او باطل است و باید آن روز را قضاء کند، و اگر از اذان صبح شروع شد ولی قبل از غروب آفتاب بهبود یافت، روزه اش صحیح است.

دندان کشی در رمضان :

اول : درد دندان :

اگر کسی در ماه مبارک رمضان به درد دندان دچار است و ضرورتی به افطار پیش آید، روزه دار میتواند بنا بر درد شدید، روزه خویش را افطار نماید، زیرا او در اینحالت جزو مریضی است که خداوند متعال برای آنها رخصت روزه نگرفتن داده است. در این مورد میتوان به فتاوی (شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز .. شیخ صالح الفوزان .. شیخ عبد العزیز آل الشیخ .. شیخ بکر أبو زید .) مراجعه کرد « فتاوی اللجنة الدائمة . المجموعة الثانية» (203/9)

دوم دندان کشی :

قبل از همه گفت که روزه دار اگر امکان داشته باشد، حد اعظمی کوشش کند تا دندان خود را در رمضان نه کشد، ولی با آنها اگر قرار شد که در ماه مبارک اقدام به کشیدن دندان و یا پر کردن دندان بعمل آید، در شرع اسلامی در وقت ضرورت و دفع درد، کدام ممانعتی در آن دیده نمیشود و جایز است. همچنان پر کردن دندان و استعمال پیچکاری برای رفع درد، در صورتیکه مواد آن از حلق فرو نرود، نیز کدام ممانعتی ندارد، ولی احتیاط باید کرد تا خون و داروی استفاده شده به داخل حلق نکرده، بنابر همین احتیاط و خوف رفتن مواد و خون به داخل حلق است که، برخی علماء کشیدن دندان بدون ضرورت را در ماه مبارک رمضان مکروه میدانند و میگویند که اگر : خون یا دوائی استعمال شده در دندان به داخل شکم برسد روزه را فاسد میگردد.

البته ناگفته نماند که اگر اندازه خون مساوی با آب دهان باشد یا غالب (بیشتر) از آن و یا مزه اش محسوس بشود روزه را فاسد می سازد، در غیر این صورتها مفسد صوم نیست. درحاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه امام أبو حنیفة آمده است : « أو خرج الدم من بین أسنانه و دخل حلقة یعنی و لم یصل إلى جوفه، أما إذا وصل فان غلب الدم أو تساویا فسد و إلا، لا، إلا إذا وجد طعمه بزازیة».

و فی الرد :

« ومن هذا یعلم حکم من قلع ضرسه فی رمضان و دخل الدم إلى جوفه فی النهار و لو نائما فیجب علیه القضاء إلا أن یفرق بعدم إمكان التحرر عنه فیكون کالقیئ الذی عاد بنفسه فلیراجع» (رد المختار: 2/107)

در درمختار به نقل از فتاوی بزازیة آمده است :

وقتی که خون از میان دندان ها بیرون شود و داخل حلق شود و لکن به شکم نرسد

احکام مریض در رمضان

(روزه نمی شکند) و اگر به شکم برسد در صورتی که خون مساوی با لعاب دهن باشد و یا خون به نسبت لعاب دهن بیشتر و غالب باشد روزه فاسد می شود و اگر کم از لعاب دهن باشد روزه فاسد نمی گردد مگر وقتی که مزه آن را حس نماید. و درمختار می افزاید که از این مسئله حکم کشیدن دندان در ماه مبارک رمضان نیز دانسته می شود .
(مواخذ: ردالمختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة کتاب حاشیه ابن عابدین یا به تعبیری دیگر حاشیه ردالمختار کتابی است در فن فقه، مذهب امام أبوحنیفه النعمان رحمه الله که توسط محمد امین مشهور به ابن عابدین نوشته است.)

دوا غرغره کلودر رمضان :

استعمال شربت غرغره در ماه مبارک رمضان در صورتیکه به حلق داخل نشود، جواز داشته و روزه را باطل نمی سازد، ولی بخاطر احتیاط کوشش بعمل آید تا استعمال شربت غرغره به وقت سحری و یا افطاری محول شود . (برای مزید معلومات : مراجعه شود به فتوای : الشیخ ابن عثیمین ج/1 ص/514.

استنشاق بخار آب در حمام زوناء :

استنشاق بخار آب گرم در حمام و بخصوص زوناء باطل کننده روزه نمی باشد ، زیرا بخار آبی که داخل حلقش میشود قصدی نبوده و بصورت نورمال این هوا باید تنفس شود . خواننده محترم !

غرض توضیح بیشتر این موضوع توجه شما به سوال یکی از کارگران فابریکه آب بخارکه از علمای دار الافتای کشور سعودی بعمل آورده است جلب مینمایم :

سوال :
من یکی از کارگران در موسسه عمومی نمک زدایی (آب شیرین کن) هستم و ما در ماه رمضان در سر کار روزه هستیم، و در محیطی که کار می کنیم بخار آب وجود دارد، و ما در بیشتر احوال آنرا استنشاق می کنیم، آیا روزه ما باطل می شود؟ و قضای آن بر ما لازم است؟

جواب دادند: «اگر وضعیت همانگونه باشد که ذکر کردید، پس روزه شما صحیح است و چیزی بر شما لازم نیست». (تفصیل موضوع فتاوی اللجنة الدائمة) (275/10).

استعمال اسپری های ضد حساسیت :

استعمال اسپری های ضد حساسیت در بینی و استعمال اسپری های کوتاه نفسی اسما در دهن و یا هم استعمال اسپری های برای امراض قلبی در ماه مبارک رمضان از دید شرع اسلامی جواز داشته ، و کدام مانع شرعی ندارد ولو که این اسپری تقریباً 25% حاوی الکهل میباشد ، زیرا این مقدار در مقایسه با کل مقدار اسپری ناچیز و اندک بوده و اثر آن باقی نمی ماند ، و علما استفاده از چنین داروهایی را که با مقدار بسیار کم الکهل جهت مداوا باشد جایز دانسته اند.

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم ، فرق نمیکند استعمال اسپری در وقت روزه، چه از راه بینی و چه از راه دهان باشد ، باعث باطل شدن روزه نمی شود، زیرا در داخل بدن (ششها) بصورت بخار جذب می شود، و دارای جرم نیست تا داخل جوف گردد، و اصلاً داخل معده نمی شود.

احکام مریض در رمضان

شیخ ابن عثیمین رحمه الله در جواب سوالی که در مورد اسپری های تنفسی و اسپری ضد حساسیت از نزد شان بعمل آمده بود طی فتوای چنین فرموده است :

«قبل از همه از خداوند متعال برای شما شفا و سلامتی مسئلت می کنم، و در جواب سوال شما مینویسم: «استعمال این اسپری ها چیزی جز ماده ای شبیه گاز که بخار می شود و هیچ چیزی از آن به معده داخل نمی شود نیست، بلکه صرفاً به مجاری تنفسی رسیده موجب باز شدن آن ها می گردد اصلاً خاصیت اسپره همین است و بس، و پس از آن مریض میتواند به طور عادی نفس بکشد. بنابراین دلیلی برای فساد آن در کتاب الله و سنت پیامبر صلی الله ، اجماع و قیاس یافت نشود .

بنابراین گفته میتوانیم که استعمال اسپری در رمضان ایرادی ندارد و روزه را فاسد نمی سازد .

زیرا همانطور که گفتیم هیچ جزئی از آن وارد معده نمی شود چرا که (آن اسپری) بخار می شود و نابود می گردد و هیچ قطره ای از آن وارد معده نمی شود تا بگوییم آن گاز موجب باطل شدن روزه می شود، پس برای شما جایز است که در حالت روزه داری از آن استفاده کند». (فتاوی نور علی الدرب) (شریط رقم 44) .

و همچنین علامه ابن باز رحمه الله بر جواز استفاده از آن (اسپری تنفسی) برای شخص روزه دار فتوا داده است، چنانکه گفته اند: «در هنگام ضرورت ایرادی ندارد (که از آن استفاده کرد)، و اگر امکان داشت که تا شب به تاخیر انداخته شود این بهتر و محتاطانه تر است». (مجموع فتاوی الشیخ ابن باز) (264/15) .

همچنان موضوع استعمال اسپری های در ماه مبارک بین علماء مطرح بحث قرار گرفت به اتفاق همه علمای اسلامی (مجمع الفقه الإسلامی) فیصله ذیل صادر گردیده است :

« موارد زیر موجب باطل شدن روزه نیستند: ... قطره چشم، قطره گوش، یا شستن گوشها، یا قطره بینی، یا اسپری بینی، البته بشرطیکه از فرورفتن به منافذی که به حلق می رسند اجتناب شود». (مجلة المجمع) (454/2/10) .

بنابراین استفاده از اسپری چه در دهان و یا بینی در هنگام ضرورت ایرادی ندارد و موجب باطل شدن روزه نیست، ولی اگر ضرورت ندارد و یا امکان تاخیر در استفاده از آن وجود داشته باشد، بهتر است جهت احتیاط در وقت روزه استفاده نشود ولی اگر لازم بود ایرادی ندارد.

مرض سل و روزه:

مرض سل یا توبرکلوز (به اختصار تی بی) از جمله مریضی های ساری و مهلک بشمار میرود که عامل اساسی آن مایکوباکتریومها یا به طور دقیقتر میکوباکتریومهای سلی است.

در مریضی سل بطور اساسی ششها مورد حمله قرار می گیرند، این نوع سل را تی بی ریوی نیز می نامند . ولی از سایر اعضای درگیر در سل می توان سیستم عصبی مرکزی، غدد لنفاوی و گردش خون، دستگاه تناسلی و ادراری، معده ، استخوانها، مفاصل و پوست را نام برد. از علائم و نشانه های بارز مرض سل میتوان از سرفه مزمن همراه با خلط سینه آغشته به خون، تب، و تقلیل وزن نام برد .

مریضی سل به تداوی و معالجه طولانی ضرورت دارد و برای تداوی آن معمولاً از آنتی

احکام مریض در رمضان

بیوتیک‌های متفاوت استفاده مینمایند. این مریضی در کشور های جهان سوم زیاد دیده میشود.

مریض سل ورمضان :

شخصیکه مبتلا به مرض سل ریوی باشد، وداکتر معالج مسلمان و متقی برای او تجویز کند که باید برای جلوگیری از ضرر وارده بر بدنش روزه نگیرد، پس می تواند از رخصت شرعی استفاده نماید روزه خویش را فطار نماید. تا زمانیکه مشکل جسمی اش برطرف گردد، بعدا میتوان بر قضاء روزه اقدام نماید.

شیخ محمد بن ابراهیم رحمه الله در جواب سوال که در مورد سل از نزد شان بعمل آمده بود مینویسد: در صورتیکه طبیب مسلمان حکم نماید که مریضی سل بر صحتمندی شخص ضرر میرساند، شخص حق دارد که روزه اش را بخورد، و بعد از بهبودی روزه خویش را ا قضاء نماید». (برای معلومات مزید مراجعه شود: فتاوی الشیخ محمد بن ابراهیم رحمه الله (181/4، 182).

همچنان اگر برای شخص روزه دار، مریضی سل اش قابل علاج و بهبودی نباشد وگرفتن روزه برایش زیان اور تمام میشود، در اینصورت نیازی به قضاء روزه هم نیست و کافیسست تا در بدل هرروزه مسکینی را طعام و غذا دهد.

مریضی سنگ کرده ورمضان :

قبل از همه باید گفت که مریضی سنگ کرده مریضی جدید در بشریت نمی باشد، حتی میگویند، فرعون هم به مریضی سنگ کرده مبتلا بود. اگرچه سنگ کرده در طب امروزی از جمله مریضی ساده بشمار میرود. ولی همین مریض ساده دارایی درد شدید، طاقت فرسا ووحشتناک میباشد، به اصطلاح بعضی ها این درد چنان وحشتناک است، که مقدار درد اش کمتر از درد زایمان در حین ولدت مادران میباشد، بطور خلاصه درد سنگ کرده بی نهایت زجر دهنده است. این درد زمانی شدت می یابد وقتیکه سنگ از محل خویش بیجا ء شود، ولی اگر سنگ دوباره در جای اش مستقر گردد درد دوباره آرام می یابد یکی از علائم سنگ کرده، تغییر رنگ ادرار به صورت خونی یا رنگ چای میباشد.

هنوز دلیل قطعی شکل گیری سنگ کرده (کلیه) از نظر طبی با قطعیت اثبات نشده. در حالت طبیعی کلیه ها مواد ضد رسوب ترشح می کنند که مانع از تجمع کریستالها و پیدایش سنگ کرده در داخل بدن میشوند. اما گاه این مواد کارایی خود را از دست می دهند.

برای جلوگیری از تشکیل سنگ کرده باید این غلظت مواد را در بدن کم کنیم به عباره دیگر باید ادرار را تا می توانیم، رقیق کنیم. یعنی شخصیکه مبتلا به مرض کلیه سنگ ساز دارد، باید آب و مایعات زیادی نوش جان کند. ویگانه توصیه دکتوران برای این مریضان اینست که از خوردن نمک باید پرهیز کنند. بخاطر آنکه نمک عاملی است که به ساخته شدن سنگ های کلسیمی کمک می کند. نمکی که از روده جذب می شود، از طریق کلیه باید دفع شود. اما مشکل همین جاست چرا که وقتی نمک می خواهد از کلیه را وارد ادرار شود، با خودش کلسیم را وارد ادرار می کند و به این ترتیب غلظت کلسیم ادرار افزایش می یابد.

احکام مریض در رمضان

مریضان که مبتلا به مریضی سنگ کرده است نباید هیچ وخت احساس تشنگی کنند و کوشش اعظمی بخرج دهد، تا قبل از تشنگی آب و مایعات به اندازه کافی و در اوقات مختلف، نوش جان کند.

مریض سنگ کرده و رمضان :

شخصیکه مبتلا به مریضی سنگ کرده باشد، و روزه گرفتن برایش سخت تمام شود، و روزه موجب افزایش درد و مریضی اش گردد، و به اصطلاح سلامتی کلی آن را بخطر مواجه سازد، و داکتر معالج مسلمان و مورد اعتماد مرض و سختی و خطر مرض را تشخیص داده باشد، و اطباء توصیه نموده باشند که معایات زیاد مصرف نماید، در اینحالت مریض که مبتلا به سنگ کرده است، میتواند به رخصت الله تعالی عمل کرده و روزه خویش را افطار نماید. و در مقابل هر روز به یک مسکین خوراک بدهد و قضای روزه بر وی لازم نمی باشد. چون قضای روزه برای همچو مریضان ممکن و میسر نیست؛ زیرا بعلت مریضی که دارد نمیتواند روزه بگیرد. اما بر فرض در صورت بر طرف شدن مریضی و بازگشت سلامتی دوباره، شخص متذکره باید در سال آینده روزه بگیرد و قضای سالهای گذشته که افطار کرده است و کفاره ی آنها را پرداخت کرده، بالای اش لازم نمی باشد.

پروردگار با عظمت ما میفرماید: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (سوره البقرة آیه : 184) (پس هرکسی از شما مریض یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد).

ابن کثیر در تفسیر این آیه متبرکه مینویسد :

«یعنی مریض و مسافر می توانند در هنگام مرض یا سفر روزه نگیرند، زیرا این امر موجب مشقت بر آنها خواهد شد، بلکه افطار کنند و بعدا در روزهای آتی آنرا قضاء نمایند.» «تفسیر ابن کثیر» (1/ 498).

و لازم نیست که حتما انسان در سختی زیادی بیافتد تا از این رخصت استفاده کند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُحْصَةٌ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ » روایت احمد (5832) و ألبانی در (صحيح الجامع) (1886).

یعنی: همانا خداوند متعال دوست دارد که از رخصت استفاده کنی همانطور که ناخوش می دارد که معصیت کنی.

اما بعد از رمضان؛ زمانیکه مریضی اش بهبودی یافت او بایستی آنروزها را قضاء کند، اما اگر بهبود نیافت و امید بهبودی هم وجود نداشت، نیازی به قضای آنروزها نیست و کافیهست تا در بدل هر روز فدیة دهد، بدین صورت که در بدل هر روز مسکینی را طعام دهد.

علامه ابن عثیمین رحمه الله می گوید: « اهل علم مرض را به نسبت مریض به دو قسم تقسیم کرده اند: قسمی که امید بهبودی می رود که چنین مریضی در وقت مرض افطار کند و بعد از بهبودی آنرا قضا می کند، و قسم دیگر که امید بهبودی مریض نمی رود که در بدل هر روز یک مسکین را طعام می دهد، و این اطعام (فدیة) جایگزین روزه ای است که افطار کرده است.» (فتاوی نور علی الدرب) لابن عثیمین (48/ 216)

دیالیز در ماه رمضان :

دیالیز عملیه است که برای آن‌عده از مریضان که کرده‌شان از فعالیت می‌افتد مجبور هستند برای تصفیه خون عملیه دیالیز را در هفته دو الی سه بار انجام دهند . در عملیه دیالیز خون بدن انسان توسط یک دستگاه مخصوص مورد تصفیه و مغذی قرار می‌گیرد .

آیا دیالیز باطل کننده روزه است ؟

در مورد دیالیز (شست و شوی کلیه (کرده) که آیا باطل کننده روزه است یاخیر ؟ علماء معاصر اسلام در مورد نظریات مختلفی ارایه داشته‌اند . هر دو جانب نظریات خویش را دارند ، کوشش بعمل خواهد آمد تا نظریات فقها مورد بررسی قرار گیرد . ولی قبل از همه باید گفت که شست و شوی کرده یا دیالیز در طب امروزی به دو طریق صورت می‌گیرد .

الف: شست و شوی کلیه به واسطه دستگاهی که «کلیه مصنوعی» نام دارد: به این ترتیب که خون بدن انسان به داخل ماشین مخصوص جذب و انتقال می‌یابد ، بعداً همین دستگاه خون جذب شده را تصفیه و مواد مضر آنرا جدا ساخته و خون تصفیه شده سالم را دوباره به بدن پمپ مینماید ، این بدین عنوان است که در عین حالیکه خون تصفیه میشود ، مواد کمکی و مقوی که مغذی نیز می‌باشد با خون اضافه گردیده و شامل بدن می‌گردد .

بصورت کل گفته می‌توانیم که عملیه دیالیز عبارت است از اخراج خون از جسم مریض به داخل دستگاه مخصوص ، این دستگاه بعد از جذب خون اقدام به تصفیه خون مریض نموده و آنرا دوباره به جسم مریض بر می‌گرداند و عملیه باید با اضافه شدن برخی مواد شیمیایی و غذایی از جمله قند و املاح به خون باید صورت گیرد ، تزید مواد مقوی و ترزیق آن در بدن انسان ویا هم توسط پیپ مخصوص شکننده روزه بوده در این مورد همه ای علماء و مفسران متفق القول میباشند .

ب: شست و شوی کلیه از طریق غشای شکم:

به این ترتیب که لوله کوچکی از بالای ناف داخل آن می‌شود و در حالت طبیعی آن، دو لیتر مایع سیال به داخل شکم می‌فرستند که محتوی درصد زیادی از قند گلوکز است و این مایع سیال مدتی در درون شکم می‌ماند و سپس دوباره آن را خارج می‌کنند و این کار چندین بار در روز انجام می‌شود.

فقهای معاصر در مورد شست و شوی کلیه، که آیا روزه را باطل می‌کند یا نه، اختلاف نظر دارند:

دیدگاه اول:

تعدادی از فقهای معاصر بدین عقیده‌اند که شست و شوی عملیه کرده بصورت مطلق روزه را باطل می‌کند. حتی عالم شهیر جهان اسلام ابن باز و هئیت دائمی افتاء این دیدگاه را پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که در اثناى شست و شوی کلیه خون پاک به خون شخص می‌رسد و گاهی نیز به مواد مغذی دیگر مجهز می‌گردد و در این صورت هر دو عملیه باطل کننده با هم جمع می‌شوند.

شرح موضوع را میتوان در فتوای شماره (189/10- 191) کمیسیون دائمی مباحث

احکام مریض در رمضان

علمی مورد مطالعه قرار داد .

دیدگاه دوم:

تعداد از علماء بدین عقیده اند که شست و شوی کلیه روزه را باطل نمی‌کند با این استدلال که نصی در مورد باطل بودن آن در شرع وارد نگریده و ما میتوانیم در این مورد حکم قیاس نمایم و صدور حکم به قیاس در این مورد منصوص نیست. ولی قول راجح ، اصح و قابل ثواب همین است که : شست و شوی کلیه از طریق غشای شکم و تصفیه خونی و ازدیاد مواد مقوی و غذای به خون و پمپ دوباره آن به بدن روزه را باطل می‌کند.

یادداشت ضروری :

ولی اگر عمیله احیاناً صرف در تصفیه خون منحصر بماند ، حکم شرع همین است که : روزه باطل نمی‌گردد ولی طوریکه گفتیم که در شست و شوی کلیه، مقداری مواد مغذی و املاح و غیره نیز به خون اضافه می‌شود. که در این صورت از دیاد مواد مغذی شکننده روزه میباشد . (برای تفصیل موضوع به فتوای علمی و تحقیقاتی کمیسیون دائمی مباحث علمی و افتا(261/10-262) مراجعه فرماید .) کار دیالیز عبارت است از اخراج خون از جسم مریض به داخل دستگاه، این دستگاه اقدام به تصفیه خون مریض می‌کند و سپس آن را به جسمش بر می‌گرداند و این کار با اضافه شدن برخی مواد شیمیایی و غذایی از جمله قند و املاح به خون، به طور کامل انجام می‌شود.

مرض کم خونی و روزه:

خواننده محترم قبل از همه باید گفت که کم خونی چیست ؟ کم خونی به مریضی اطلاق میگردد : زمانی که در خون اندازه کافی از هموگلوبین تقلیل یابد ، انسان دچار ر آنمی یا به اصطلاح کم خونی میگردد . هموگلوبین کمک میکند که گلبولهای سرخ خون، اکسیژن را از رگ ها به همه قسمت‌های بدن برسانند کم خونی فقر آهن (IDA) مشهور ترین نوع کم خونی است ، که تقریباً یک پنجم زنان، نیمی از زنان حامله و سه درصد مردان مبتلا به مریضی کم خونی ناشی از فقر آهن است.

و طوریکه یاد آور شدیم علت اصلی این نوع کم خونی، کمبود آهن در جسم است. مغز استخوان انسان برای ساختن هموگلوبین به آهن ضرورت دارد. بدون آهن کافی بدن نمیتواند هموگلوبین مورد ضرورت گلبولهای سرخ را بسازد. به همین دلیل جسم انسان دچار کم خونی فقر آهن می‌شود.

از عوامل دیگری که موجب کم خونی در انسان میگردد ، میتوان از کمبود ویتامین ، کم خونس ناشی از امراض مزمن (مانند سرطان، آرتریت روماتوئید، مریضی کرون و سایر امراض مزمن التهابی) کم خونی ناشی از ساخته نشدن سلول خونی (این نوع کم خونی تهدید کننده‌ی حیات است و در اثر کاهش توانایی مغز استخوان در تولید همه‌ی انواع سلولهای خونی شامل گلبولهای سرخ گلبولهای سفید و پلاکتها ایجاد می‌شود.) ، کم خونی مرتبط با امراض مغز استخوان (مانند امراض چون سرطان خون می‌تواند منجر به اختلال در تولید گلبولها شده و کم خونی ایجاد کند.)

احکام مریض در رمضان

عوامل مستعد کننده کم خونی در انسان عبارت است: رژیم غذایی، اختلالات روده‌ای، عادت ماهور زنانه (حیض) حمل، امراض مزمن و غیره...
مهمترین علایم کم خونی احساس خستگی و بی حالی وضعف در انسان است. از علایم دیگر کم خونی میتوان از رنگ پریدگی پوست، ضربان نامنظم یا تند قلب، کوتاهی نفس، سرگیچی خفیف، سردردی و غیره...

مریض کم خونی و حکم روزه در آن:

اگر طبیب مسلمان، معتمد و عادل تشخیص نماید که واقعاً گرفتن روزه برای وضعیت جسمانی انسان زیان آور است، و لازم است که مریض حتماً هر روز (در فاصله بین اذان مغرب و عشاء) دارو، مقداری مواد و غذای ویتامین دار بگیرد، در غیر آن مریضی اش تشدید می یابد، در اینصورت مریض مبتلا به کم خونی میتواند از رخصت الله تعالی که میفرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» البقرة/184. (یعنی: پس هرکسی از شما مریض یا در سفر باشد، تعدادی از روزه‌های دیگر را روزه بگیرد.) استفاده نماید و روزه خویش را افطار نماید.

یادداشت ضروری:

اگر با وجود مریضی، روزه گرفتن زبانی به او نمی رساند و او را در مشقت نمی اندازد، و امکان تاخیر در خوردن قرص و مواد ویتامینی وجود دارد، و مریض میتواند که خوردن قرص را تا وقت شب به تاخیر بیااندازد و روزه اش را بگیرد، میتواند به روزه خویش ادامه دهد. ولی اگر این امر برایش مقدور نباشد و وضع صبحی اش متضرر میگردد، حکم شرع همین است که روزه افطار نماید.

حکم تزریق خون و آمپول:

در بدو باید گفت مریض که برای جلوگیری از کم خونی برایش خون تزریق میگردد، به اتفاق همه ای علمای اسلامی، روزه اش باطل میگردد.

اما گرفتن خون کم از بدن برای آزمایش خون، روزه، روزه دار را باطل نمیکند، ولی گرفتن خون زیاد از شخص روزه دار که سبب ضعف و سستی او میشود، روزه اش باطل میگردد، بنابراین شخصی که روزه ی واجب دارد نباید اقدام به اهدای خون نماید مگر برای مریضان که در شرایط فوق العاده خطرناکی قرار گرفته باشد و نتواند تا بعد از غروب دوام بیاورد، در این صورت اگر دکتوران تشخیص بدهند که خون این روزه دار برایش مفید است و مشکل را بر طرف می سازد جایز است که خونش را به او اهدا نماید.

اهدا کننده باید پس از اهدای خون خوردنیهای مقوی مصرف کند تا انرژی از دست رفته اش به او باز گردد. ناگفته نماند که قضای این روزه بر او لازم است.

فتوای شیخ عثیمین در مورد تزریق خون:

شیخ محمد بن صالح العثیمین طی فتوای مینویسد: «تزریق خون به بدن روزه دار، باعث باطل شدن روزه است، زیرا خون نهایت غذا با طعام و شراب است.» (مجالس شهر رمضان صفحه 70)

بر این اساس، با توجه به اینکه تزریق خون به بدن مریض، در حکم تزریق آمپول مغذی است، لذا باعث باطل شدن روزه می گردد.

احکام مریض در رمضان

حال اگر کسی برای آزمایش خون بدهد، چون خون کم است لذا باعث باطل شدن روزه اش نمی شود ولی اگر خون را اهدا نماید، چون معمولاً خون زیادی باید بدهد، در اینصورت این باعث باطل شدن روزه است.

یادداشت :

اگر شخص با دادن مقداری خون جهت آزمایش دچار ضعف شود، چنانچه آن ضعف دوام داشته باشد و همچنین علاوه بر دوام ضعف، باعث ضربه زدن به سلامتی وی گردد می تواند روزه اش را بخورد در غیر آن باید تا وقت افطار صبر نماید.

قی (استفراغ) کردن روزه را باطل می کند؟

در این مورد علماء مذاهب چهار گانه متفق رای اند، که اگر قی بر کس غلبه کند، و روزه دار بی اختیار قی کند و جلو قی خود را گرفته نتواند، هر چند که قی پر دهن باشد بیشتر و یا کمتر باشد و حتی اینکه بخش آن دوباره از حلق پایین رود، روزه ناقص نمیگردد.

ولی اگر قی بصورت قصدی صورت گیرد، و دهن پر باشد، روزه اش فاسد، باید قضاء بیاورد. در حدیث که از حضرت ابو هریره روایت است میفرماید: «من ذرعه القی فلیس علیه قضاء، ومن استقاء عمدا فلیقض» «هر کسی که قی براو غالب شود پس بر او قضا نیست و هر کس که عمداً قی کند پس قضا نماید.» (احمد، ابو داود، ترمذی، ابن حبان، دارقطنی و حاکم).

حجامت در رمضان :

حجامت اصطلاحاً به روشی از خونگیری اطلاق می شود که جهت معالجه برخی از امراض بکار می رود. در برخی از انسانها خون به مرور زمان در ناحیه پشت و کمر و در نقاط دیگری از بدن جمع شده که در فرصتهای مناسب به تدریج توسط بدن خارج می شود اما در بسیاری از مواردی اتفاق می افتد که عملیه افزاز بدن در این زمینه بسیار به کندی اجرا میگردد، طوریکه به مرور زمان بر تراکم این خونهای آلوده در بدن انسان بخصوص در پشت افزوده می شود و در نهایت صحت و سلامتی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. در این حالت است که دست به عملیه حجامت می زنند.

میگویند عملیه حجامت بیش از ۷۰۰۰ سال در بین بشریت قدمت داشته و دین مقدس اسلام هم آنرا تایید و برای پیروان خویش مورد سفارش قرار داده است.

در منابع طب اسلام و طب سنتی حجامت به عنوان یکی از وسایل مهم معالجه ذکر گردیده است و توسط این طریقه بسیاری از امراض مورد تداوی و معالجه قرار میگیرد. طب یونانی بدین باور و عقیده است که حجامت برای پیشگیری بسیاری از امراض بخصوص امراض خونی مفید و موثر شمرده میشود. ابو علی سینا معتقد است که توسط عملیه حجامت حتی امراض صفرا و سودا نیز قابل دفع است و تداوی مییابد.

حجامت در کدام امراض بکار گرفته میشود :

همانطوریکه که گفته شد عملیه حجامت در امراض چون (هایپرلیپیدمی) (چربی خون بالا)؛ دیابت غیر وابسته به انسولین؛ دردهای عضلاتی؛ سردردهای عصبی؛ و میگرنی؛ امراض جلدی مانند مرض آکنه؛ پسوریازیس؛ آلرژی های ناشی از دوا، ناضی از مواد غذایی، آلرژی های فصلی؛ اعتیاد به مواد مخدر؛ امراض انسدادی عروق کرونر؛

احکام مریض در رمضان

عوارض بعد از یائسگی (منوپوز) دردهای قاعدگی در زنان و دختران (دیسمونوره) و برخی دیگر مریضی های عفونی؛ هورمونی و غدد، میتوان بکار برد. بطور کل گفته میتوانیم که عملیه حجامت دارایی هیچگونه عوارض جانبی نبوده، و اگر این عملیه به صورت تخصصی و فنی مورد استفاده قرار گیرد، فایده آن بیشتر و موثرتر از دواهای کمیای که توسط طب امروزی بکار گرفته میشود، میباشد.

حکم شرعی در مورد حجامت :

اگر شخصی روزه دار در ماه مبارک رمضان بخاطر معالجه و تداوی دست به عمل حجامت یا خون گرفتن (از سر و یا، انگشت، و یا ورید و یا هر عضو دیگر بدن بزند) طوریکه که گفتیم، به اتفاق همه علماء روزه اش فاسد نمیکردد. و حکم خویش را بر حدیث ذیل مستند می سازند.

در حدیث شریف از ابن عباس (رض) روایت است: «احتجم النبی (ص) وهو صائم» (پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که روزه بود حجامت کرد) (صحیح سنن ابو داود: ۲۰۷۹)، (صحیح امام بخاری: ۱۷۴/۴)، (سنن ابو داود: ۲۳۵۵/۴۹۸/۶)

ولی اگر در عملیه حجامت بدن روزه دار ضعیف و سست گردد، و بیم خطرات بیهوشی را برای روزه دار پیش آورد، علماء و مفسران به بر استناد حدیث ذیل برمکروه بودن آن حکم فرموده اند.

از ثابت بنانی روایت است «سئل انس بن مالک أکنتم تکرهون الحجامه للصائم؟ قال: لا، إلا من أجل الضعف» «از انس بن مالک سؤال شد آیا شما حجامت را برای روزه دار مکروه می دانستید؟ گفت نه، مگر به خاطر ضعف و سستی» (صحیح امام بخاری: ۱۷۴/۴) (۱۹۴۰)

خون ریزی در رمضان :

طوریکه در فوق یاد آور شدیم در اثر کشیدن دندان و مانند آن روزه باطل نمی گردد، زیرا تأثیر این خون ریزی مانند تأثیر حجامت نیست. روزه همچنین بخاطر کشیدن خون برای نمونه گیری باطل نمی گردد، چون احياناً اطباء مجبور به گرفتن مقدار کمی خون از مریض می شود تا آن را آزمایش نموده و مریضی را تشخیص دهد، که به علت اندک بودن این خون روزه باطل نمی شود، زیرا اصل بقای روزه است و ما حق نداریم که بدون برهان و دلیل شرعی حکم به ابطال روزه کنیم.

اما کشیدن خون زیاد از شخص روزه دار و اهدای آن به مریضان نیازمند، روزه را باطل میکند، بنابراین شخصی که روزه ی واجب دارد نباید اقدام به اهدای خون نماید مگر برای مریض که در شرایط فوق العاده خطرناکی قرار گرفته باشد و نتواند تا بعد از غروب دوام بیاورد، در این صورت اگر اطباء تشخیص بدهند که خون این روزه دار برایش مفید است و مشکل را بر طرف می سازد جایز است که خویش را به او اهدا نماید. و اهدا کننده باید پس از اهدای خون خوردنیهای مقوی مصرف کند تا انرژی از دست رفته اش به او باز گردد. ناگفته نماند که قضای این روزه بر او لازم است.

یادداشت فقهی :

خون بینی و یا سایر خونریزی ها که از دهن باشد و یا سایر جراحات های بدن، مقدار آن

احکام مریض در رمضان

خون کم باشد و یا زیاد هیچ تاثیری بر روزه وارد نمی کند. (برای معلومات مزید مراجعه شود: ابن عثیمین- مسائل عن الصیام- دار ابن الجوزی، صفحه: (25، 26) و فتاوی کمیسیون دایمی مباحث علمی و افتا (266/10، 277)

زخم معده :

وحکم اسلامی در مورد مریضان زخم معده در رمضان قبل از همه باید گفت که زخم معده عبارت از زخمی است که در دیوارها و جدار های معده بوجود می آید و نشانه و علامه مشهور و معروف آن در نزد اکثریت مریضان، درد سوزنده در ناحیه معده می باشد. غالباً هنگامی این درد به وجود می آید که معده انسان خالی باشد.

شخص مبتلا به زخم معده باید از خوردن غذاهای سرخ کرده و ادویه دار، مشروبات الکھولی، سگرت غذای های تند و ترش، و غذاهای پرحجم خودداری نماید و از موادی مانند شیر بیشتر استفاده نماید.

نباید فراموش کرد که استرس زیاد اگرچه عامل زخم معده نیست ولی استرس پیش از حد در بدن منجر به تولید مقادیر بیشتر اسید در بدن گردیده، که می تواند زخم های موجود معده را بیشتر تحریک کند.

فتوای شیخ بن جبرین در مورد مریضان زخم معده :

شیخ بن جبرین طی فتوای در مقابل سوالی شخصیکه به مرض زخم معده مبتلا هست مینویسد: «هر زمانیکه روزه گرفتن بر شما سخت باشد و موجب افزایش مریضی شما شود، و داکتر متخصص و مسلمان که تشخیصش درست باشد به شما بگوید که روزه برایتان ضرر دارد و دردتان را افزایش می دهد و جان شما را به خطر می اندازد؛ مریض در این صورت می تواند روزه نگیرد و در مقابل هر روز به یک مسکین خوراک بدهد و قضای روزه ها بر آن لازم نیست، چون قضای روزه برایتان ممکن نیست زیرا بعلت مریضی نمی توانید روزه بگیرید اما بر فرض بر طرف شدن مریضی و بازگشت سلامتی، در آن صورت سال آینده را باید روزه بگیرید و قضای سالهای گذشته که افطار کرده اید و کفاره ی آنها را پرداخت کرده اید بر شما لازم نیست.» (شیخ ابن جبرین- فتاوی روزه صفحه 19)

فتوای شیخ محمد بن ابراهیم :

شیخ محمد بن ابراهیم عالم شهیر جهان اسلام در مقابل سوالی، سوال کننده که مبتلا به مریضی زخم معده است طی فتوا مینویسد: «برای مریض که مبتلا به مرض معده هست برایش جایز است که روزه اش را بخورد، و بعد از شفای مرضش - اگر امید بهبودی وجود داشت - آنها را قضاء کند، اما اگر وضعیت برخلاف آن است و امکان شفای وی غیر محتمل است پس می تواند (بجای قضای روزه هایش) در بدل هر روز مسکینی را طعام دهد.» (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتاوی الشیخ محمد بن ابراهیم رحمه الله) (180/4).

فتوای انجمن دایمی مباحث علمی و افتا :

انجمن دایمی مباحث علمی و افتا طی فتوای شماره (160/10) در مورد روزه اشخاص مریض مینویسد: «اشخاص ناتوان و ضعیفی که قادر به روز گرفتن نیستند از قبیل پیرمرد و پیرزن، می توانند روزه را بخورند و در مقابل هر روز نیم صاع گندم یا خرما

احکام مریض در رمضان

یا برنج و یا هر خوراکی که مصرف می کنند، به مسکینی بدهند. همچنین مریضان که امید بهبودی آنها وجود ندارد می توانند از این رخصت استفاده نمایند. بدلیل این که خداوند متعال می فرماید: « لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ... » (البقره: 286) ، یعنی: «خداوند هیچ کس را خارج از وسع و توانش مکلف نمی کند.» و میفرماید: «... وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ...» (الحج: 78)، یعنی: «الله در دین بر شما سختی قرار نداده است.» و میفرماید: «... وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ ...» (سوره البقره: 184)، یعنی: «و بر کسانی که توانایی روزه گرفتن را ندارند فدیة واجب است (و فدیة اینست که در مقابل هر روز) به یک مسکین خوراک بدهند» و ابن عباس رضی الله عنه می گوید: «آیه مذکور رخصتی است برای سالمندان که قادر به روزه گرفتن نیستند: اینها اجازه دارند روزه را بخورند و در مقابل هر روز به یک مسکین خوراک بدهند» (روایت بخاری: 4505)، بنابراین مریضان که نمی تواند روزه بگیرد یا روزه گرفتن بر او دشوار است و امید سلامتی هم ندارد، حکمش، حکم سالمندی است که از روزه گرفتن عاجز است (تفصیل موضوع انجمن دایمی مباحث علمی و افتا 160/10).

فتاوی شیخ بن عثمان :

شیخ بن عثمان در فتاوی (صفحه 111) خویش در مورد افراد مریض در رمضان مینویسد: «باید بدانیم که مریض به دو دسته تقسیم میشود:

قسم اول:

مریضی که امید درمانش وجود دارد، مانند مرضهای مؤقتی که زود رفع میشوند، پس این حکمش همان است که خداوند فرمودند: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (البقره: 184)، یعنی: «پس هر کس از شما مریض یا در سفر باشد پس لازم است (بر وی روزه گرفتن) شمار آن از روزهای دیگر»، پس فقط باید صبر کند تا شفا یابد و سپس روزه (قضاء) را بگیرد، و اگر این مرض کمی به طول انجامید و قبل از درمان بمیرد هیچ چیزی بر او نیست، زیرا خداوند قضاء را بر او در روزهای دیگری واجب کرده ولی او قبل از ادراک آن روزها درگذشت، و این مانند کسی است که در ماه شعبان قبل از رمضان بمیرد، که (طبیعتاً) قضایی ندارد.

قسم دوم:

مرض مزمن باشد مانند سرطان ، و العیاذ بالله ، و مرض کلیه و مرض شکری و شبیه آن امراض مزمن که امید به درمانش نیست، پس این اشخاص در رمضان افطار میکنند و در مقابل هر روز یک مسکین را غذا میدهد، مانند پیرمرد و پیرزنی که طاقت روزه را ندارند و روزه را نمیگیرند و در مقابل آن هر روز یک مسکین غذا میدهند، و دلیلش از قرآن هست که خداوند متعال میفرماید: « وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ » (سوره البقره: 184)، یعنی: «و بر کسانی که روزه طاقت فرساست (یعنی: بر کسانی که روزه را به دشواری تحمل می کنند و تاب و تحمل آن را ندارند، چون پیرمردان کهنسال، زنان باردار و مریضان مزمن، پس بر اینان) فدیة ای است که عبارت از خوراک دادن به یک بینواست.»

حکم نهایی در مورد زخم معده :

بطور خلاصه حکم اسلامی در مورد مریضی زخم معده قرار ذیل میباشد :

اگر شخصی بعلت زخم معده نمیتوانید روزه بگیرید و روزه گرفتن برایش ضرر میرساند، میتوانید روزه را نگیرید، در اینصورت اگر امید بهبود در آینده وجود دارد پس باید صبر کنید و قضای آن روزها را پس از بهبودی بگیرید، ولی اگر امید بهبود نیست پس باید در مقابل هر روز روزه نگرفتن یک مسکین را به اندازه نیم صاع برنج و یا خرما و یا غذای معمول غذا بدهید، که نیم صاع برابر است با تقریباً 1.5 کیلو گرم برای هر مسکین، ولی اگر در مریضی اش امید بهبود نیست و در عین حال تنگدست و ناتوان هست و قادر به پرداخت این فدیة نیستید دیگر چیزی بر گردن شان نمی باشد، یعنی هم روزه و هم فدیة از ذمه اش ساقط میشود، حتی اگر در آینده پولدار شوید، ولی اگر احتمالاً در آینده توانگر و پولدار شود، برای خروج از خلاف بهتر است که فدیة های سالهای قبل را پرداخت کنید، ولی فقط از باب احتیاط.

در ضمن اگر امید بهبود نداشتید و روزه نگرفتید و فدیة دادید، در اینصورت اگر فرضاً در آینده بهبود یافتید دیگر چیزی بر گردن شما نیست، زیرا قبلاً فدیة را بجای روزه داده اید و فقط روزه های سال بعد را روزه میگیرید.

معاینات معدی و روزه:

معاینات معدوی اساساً، توسط وسایل طبی مخصوص از طریق دهان، از آنجا به کلو و سپس به معده فرستاده می شود. تا زخم معده و یا سایر تکلیف جدار های معده را معلوم نماید، صورت میگیرد.

علمای متقدم در بحث های فقهی خویش در مورد «دخول چیزی غیر مغذی مثل سنگریزه و یا یک تکه آهن و امثال آن به شکم» که تقریباً مشابه به داخل شدن ماشین های مخصوص در معده غرض معلوم کردن زخم معده میباشد، پرداخته اند.

ولی در مورد معاینات که در طب امروزی غرض تشخیص زخم معده صورت میگیرد، روزه روزه دار باطل میگردد یا خیر؟ علماء نظریات متعددی ارائه فرموده اند که ذیلاً بدان اشاره مینمایم:

جمهور علماء به جز حنفی ها می گویند:

این معاینات روزه را باطل می کند چون هر چیزی که وارد شکم شود، باطل کننده روزه است.

اما علمای احناف میگویند: به شرط استقرار آن چیز داخل شده در شکم، روزه باطل می شود ولی بقیه علماء این شرط را لازم نمی دانند.

جمهور علماء به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم استدلال می کنند که امر کرد که: (روزه دار) از سرمه (کشیدن) پرهیز کند.

بنابراین داخل کردن ماشین ذره بین مخصوص برای معاینات معده از دیدگاه جمهور باطل کننده روزه است و از دیدگاه حنفی ها چون استقرار ندارد، روزه را باطل نمی کند.

ولی سایر علمای اسلامی دیدگاه دیگری در مورد دارد.

از جمله شیخ الاسلام ابن تیمیه: و بعضی از علمای مالکیه و حسن بن صالح بر این عقیده اند که: این معاینات معدوی که توسط دستگاه مخصوصی صورت میگیرد و این

احکام مریض در رمضان

مشابه مییاشد، به دخول اشیاء غیر مغذی مثل تکه آهن و یا سنگ ریزه به شکم است، بناً این معاینات روزه را باطل نمی‌کند. و طبق حکم قرآنی و احادیث آن‌عده از اشیاء مغذی باشد، داخل معده گردد روزه را باطل می‌سازد ولی اشیاء غیر مغذی باشد روزه باطل نمی‌گردد. از جانب دیگر حدیث «امر به پرهیز از سرمه» از جمله احادیث ضعیف می‌باشد. بنابراین داخل کردن دستگاه مخصوص معاینه معده به درون معده روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه اطباء برای تسهیل دخول این دستگاه ماده‌ای روغنی بر آن بمالد که در این صورت روزه باطل می‌شود. تزریق مقعدی نیز شبیه همین می‌باشد.

اولاً: تزریق مقعدی:

علمای متقدم در مورد آن صحبت نموده‌اند و در این باره دو دیدگاه را ارائه نموده‌اند:

دیدگاه اول:

ائمه چهارگانه می‌گویند: روزه را باطل می‌کند زیرا مقعد به درون شکم مرتبط است.

دیدگاه دوم:

ظاهریه و شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گویند: روزه را باطل نمی‌کند، زیرا تزریق مقعدی به هیچ وجه مغذی نیست و بلکه باعث استفراغ و خالی شدن شکم نیز می‌شود و کار بوییدن یک تسهیل کننده را انجام می‌دهد. به علاوه محتوای آن به معده نمی‌رسد. (غرض مزید معلومات مراجعه شود به مجموعه فتاوی ابن تیمیه (233/25-247) علمای متأخر نیز بر همین مبنا اختلاف نظر پیدا کرده‌اند.

آیا مقعد به معده مرتبط است؟

آنها می‌گویند: تزریق مقعدی روزه را باطل می‌کند، بر این باورند که: مقعد به روده راست و روده راست به روده بزرگ متصل است و جذب مواد غذایی در روده باریک انجام می‌گیرد و بعضی از املاح و قندها (نیز) در روده بزرگ جذب می‌شوند. ولی چنانچه مواد غیر مغذی مثل داروهای مداوا از روده بزرگ جذب شوند، روزه را باطل نمی‌سازند زیرا به مثابه خوردن و آشامیدن نخواهند بود. این تفصیل مقبول‌تر است.

ثانیاً:

شیاف‌هایی که از طریق مقعد مورد استفاده قرار می‌گیرند: در این باره دو دیدگاه وجود دارد.

بنابر یک دیدگاه، این شیاف‌ها باعث بطلان روزه نمی‌شوند.

ابن عثیمین این دیدگاه را پذیرفته است، با این استدلال که این شیاف‌ها محتوی داروهای برای مداوا می‌باشند و نه مواد غذایی سیال، بنابراین نه خوردن نامیده می‌شود و نه آشامیدن و نه به مثابه هیچ یک از آن دو است. و همین دیدگاه صحیح و مقبول‌تر است.

استعمال کپسول ضد قبضیت در رمضان:

قبل از همه باید گفت که استعمال کپسول‌های ضد قبضیت در ماه مبارک رمضان برای روزه دار جایز بوده، زیرا استعمال این درو در جمله طعام و شراب شامل نبوده و حکم شراب و طعام را ندارد. و مسلم است که خداوند طعام و شراب را حرام کرده است. پس

احکام مریض در رمضان

آنچه که طعام و شراب باشد و یا قائم مقام طعام و شراب باشد روزه را می شکند در غیر این صورت روزه باطل نمی شود.

استعمال ملحم بواسیر و روزه:

اکثریت علمای اسلام از جمله شیخ عبد العزیز بن باز . شیخ عبد العزیز آل الشیخ . شیخ عبد الله بن غدیان ، شیخ صالح الفوزان ، شیخ بکر أبو زید. بدین باور اند که استعمال ملحم بواسیر، روزه را باطل نمی سازد . « فتاوی اللجنة الدائمة – المجموعة الثانية » (211/9)

مثلا کسی که درد معده دارد، اگر درد آن معمولی باشد، پس باید روزه اش را وقت خود بگیرد، ولی اگر درد معده آنقدر سخت است که طاقت را از او ستانده است، پس می تواند بعد از بهبودی آنها را قضا کند.

هیپاتیتس سی یا «زردی سیاه»

ویروس مرض هیپاتیتس سی یا « زردی سیاه»، یکی از عاملین عمده مرض جگر بشمار میرود یرقان یا زردی در انگلیس آنرا (icterus : یا (Jaundice) می نامند بمعنی تغییر رنگ و زرد شدن پوست، صلیبیه و غشاهای مخاطی ناشی از بالا رفتن بیلی روبین خون است.

بالا رفتن غلظت پلاسمایی بیلی روبین اغلب ناشی از مریض های پیش کبدی، کبدی (مانند هیپاتیت) و پس کبدی (مانند سنگ کیسه صفرا) است. یرقان خودش بحیث مریض بشمار نمی رود، بلکه نشانه ای از یک مریضی زمینه است و بصورت زرد شدن پوست و سفیدی این عارضه ناشی از وجود ماده زرد رنگ صفرا به اسم بیلیروبین در خون است. این ماده رنگی زمانی تشکیل می شود که گلبولهای پیرسرخ از خون بطور طبیعی شکسته و تجزیه میشوند اما وقتی برخی از مریضی ها ایجاد شوند این ماده رنگی در خون جمع می شود و رنگ پوست را زرد می سازد .

از علتهای احتمالی یرقان می توان به هیپاتیت (التهاب کبد)، انسداد یا ناهنجاریهای مجاری صفراوی و انواع مشخصی از کم خونی ها اشاره کرد. چشم خود را نشان می دهد. بنا بر صورتیکه یک طبیب مسلمان و عادل تشخیص بدهد که روزه گرفتن برای همچو امراض خطرناک ، و موجب تشدید مریضی میگردد ، مبتلایان به همچو مریضی ها تا شفا مریضی شان میتوانند روزه را افطار نمایند . و سپس آنروزهایی را که خورده اند قضاء کند، و البته کفاره لازم نیست.

زیرا خدای متعال می فرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» البقرة/185. یعنی: و آن کس که مریض یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد.

شدت گرسنگی و تشنگی :

اگر روزه دار از شدت گر سنگی به خطر زندگی یا خطر فتور در عقل باشد میتواند روزه نگیرد .

احکام مریض در رمضان

ترس از هلاکت :

اگر به علت محنت و مشقت احتمال مردن ، یا ظالمی بر کسی جبر کند که اگر روزه گرفتگی تر خواهم گشت یا به سختی ترالت و کوب خواهم کرد و یا یکی از اعضای بدن ترا قطع خواهم کرد ، اجازه است که روزه نگیرد.

بی هوشی :

اگر بیهوشی بر کسی طاری گردد و چند روز دوام کند . در این صورت قضای روز های که مانده واجب است .

جنون :

اگر جنون بر کسی طاری گشت و از آن هیچ وقت بهبود نمی یابد از گرفتن روزه معاف است ، قضا و فدیة واجب نمی باشد ولی اگر بهبود یافت ، قضا بر وی واجب است.

تبصره :

اگر مریض و مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند ، روزه گرفتن بهتر است و اگر دچار مشقت شوند بهتر آن است که روزه نگیرند. در حدیث شریف از ابو سعید خدری (رض) روایت است : « با پیامبر صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان به جنگ با کفار رفتیم بعضی از ما روزه بودن و بعضی دیگر روزه نبودند بدون اینکه از همدیگر ایراد بگیرند و معتقد بودند کسی که توانایی روزه دارد اگر روزه بگیرد بهتر است و کسی که توانایی روزه را ندارد بهتر آن است که روزه نگیرد » (مسلم ۱۱۱۶ - ۶۹/۷۸۷/۲) ، (سنن الترمذی ۷۰۸/۱۰۸/۲)

حالاتی که شکستن روزه در آنها جایز است :

حمله ناگهانی مرض که خطر مرگ را دربر داشته باشد و یا حوادث ترافیکی توأم با خطر باشد. اگر کسی ناگهان مریض شود و یا در صورتیکه روزه خود را نشکند خطر شدت مریضی او را تهدید میکند جواز دارد روزه خود را بشکند. اگر کسی را مار و یا گزدم گزید و ضرورت به دوا باشد میتواند روزه خود را بشکند.

حکم اصرار مریض بر گرفتن روزه :

در برخی از اوقات دیده میشود که تعدادی از انسان های مریض با در نظر داشت اینکه شدیداً مریضی هستند ، و وضع جسمی و صیحة شان با گرفتن روزه به خطر مواجه میشود ، دکتوران حاذق بر خوردن روزه برایش توصیه هم نموده ولی با آنهم سختی و مشقت را تحمل کرده و به اصطلاح از غیرت افغانی استفاد کرده و به گرفتن روزه مبادرت میورزد .

باید خدمت این انسانها بعرض رسانیده شود که این اشتباه است چون الله سبحان حرج و سختی را از بندگان خویش برداشته است و به انسانها مریض اجازه داده است که روزه اش را بخورد و بعداً قضای آن را بگیرد.

طوریکه پروردگار با عظمت ما میفرماید : « فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ » (سوره بقره: 185) (پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن

احکام مریض در رمضان

کس که مریض یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را)

فدیه و کفاره و فرق آن :

خواننده گان محترم !

اینکه در اخیر این مبحث غرض روشن شدن بهتر و بیشتر به توضیح فدیه و کفاره می پردازیم :

فدیه چیست :

اگر شخصی بنابر معاذیری از گرفتن روزه (مانند مریضی که روزه گرفتن برایش خطرناک است و امید بهبودی و علاج وی نمی رود و یا مانند پیرمرد یا پیرزنی (شیخ فانی) که از لحاظ جسمی و صیحه به شدت ناتوان شده و گرفتن روزه برایش ناممکن باشد (باید بجای روزه گرفتن) فدیه دهد یعنی در مقابل هر روز از روزه ماه رمضان یک نفر را طعام دهد، به دلیل فرموده الله تعالی: « وَ عَلَيَّ الَّذِينَ يُطِيفُونَهُ فُدْيَةً طَعَامًا مِسْكِينَ » (سوره بقره : 184)

و همچنان بر اساس حکم حدیثی که حضرت ابن عباس روایت گردیده است : « رخص للشيخ الكبير والعجوز الكبير في ذلك وهما يطيقان الصوم أن يفطران إن شاء ، ويطعما كل يوم مسكينا ، ولا قضاء عليهما ، ثم نسخ ذلك في هذا الایه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » وثبت للشيخ الكبير والعجوز الكبير إذا كان لا يطيقان الصوم والجلي والمرضع إذا خافتا أفطرتا ، وأطعمتا كل يوم مسكينا» « به پیر مرد و پیر زنی (شیخ فانی) که توانایی روزه گرفتن را ندارند برایشان جایز ، در صورتیکه خواسته باشند ، روزه نگیرند و در مقابل هر روز ، مسکینی را غذا بدهند» و قضای روزه بر آنها لازم نیست ، سپس ؛ این حکم با آیه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » نسخ شد ولی (آن حکم) برای پیر مرد و پیر زنی که توانایی روزه گرفتن را ندارند ثابت مانده است .

همچنین زن حامله و شیرده ای که (بر حال خود یا طفل خود) بیم دارند می توانند روزه نگیرند و در هر روز، يك مسکین را طعام دهند « (بیهقی : ۲۳۰/۴) همچنین از ابن عباس روایت است : « إذا خافت الحامل علی نفسها ، والمرضع علی ولدها فی رمضان قال : يفطران ، ويطعمان مكان كل يوم مسكينا ، ولا يقضيان صوما « اگر زن حامله از ضرر به جان خود و زن شیرده از ضرر به طفلش بیم داشت ، می توانند روزه رمضان را نگیرند و به جای هر روز مسکینی را طعام دهند و قضای روزه بر آنها لازم نیست « (صحیح البانی در کتاب الارواء (۱۹/۴) این حدیث را به طبری (۲۷۵ ۸) نسبت داده و گفته است : سند آن به شرط مسلم صحیح است)

مقدار طعام واجب :

در حدیثی از انس بن مالک روایت است : « أنه ضعف عن الصوم عاما فصنع جفنة ترید ودعا ثلاثین مسکینا فاشبعهم » « او سالی دچار ضعف شد بطوریکه نتوانست روزه بگیرد ، پس کاسه ای ترید گوشت درست کرد و سی

احکام مریض در رمضان

مسکین را دعوت و آنها را سیرکرد « (الاروا 206-4) ، (دارقطنی : 16-207-2-)

تبصره :

فدیه شامل ، طعام ، غله ، و قیمت آن هم میگردد ، مقدار فدیه به اندازه صدقه فطر است . ولی اگر شخص از مرض بهبود یابد ، قضائی روزه فوت شده بر او واجب است ، خداوند پاک در مقابل فدیه او اجر و ثواب نصیب اش میگرداند . در غذا دادن (صبح و شام) معیار حد وسط غذایی میباشد که خود شخص در زندگی عادی خویش میخورد .

یادداشت توضیحی :

در دادن غذا حتمی نیست که باید حتما گندم یا برنج باشد، بلکه مهم دادن طعامی که معمولاً فرد خود از آن تغذیه می کند به فقرا می باشد تا سیر شوند . در مورد اینکه آیا می توان بجای طعام، پول نقد داد یا خیر، علماء با هم اختلاف نظر دارند . ولی اکثریت علماء و یا به اصطلاح اکثر قریب به اتفاق دادن پول نقد را بجای غذا هم جایز نمی دانند . میگویند که حتماً باید طعام باشد . زیرا خداوند متعال در قرآن عظیم الشان در فدیه غذا دادن را بیان فرموده و نه قیمت معادل آنرا، و میفرماید: « و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین » (سوره البقره: 184)، یعنی: «و بر کسانی که روزه طاقت فرساست (یعنی: بر کسانی که روزه را به دشواری تحمل می کنند و تاب و تحمل آن راندارند، چون پیرمردان کهنسال، زنان باردار و مریضان مزمن، پس بر اینان) فدیه ای است که عبارت از خوراک دادن به یک بینواست» .

ولی امام ابوحنیفه دادن پول نقد بجای طعام را جایز دانسته و در آن کدام ممانعتی نمی بیند .

ولی نباید فراموش کرد در کشورهای که : امکان یافتن شخص فقیر و مسکین وجود نداشت، می توان قیمت و پول آن کفاره را به جمعیت ها و مؤسسات خیریه (قابل اعتماد و غیر دولتی) که متولی نیابت کفارات مردم هستند اهدا نمود تا آنها پول اهدایی را به طعام تبدیل کرده و به فقراء بدهند .

قضاء روزه :

معنای قضاء عبارت از يك روز روزه گرفتن بعد از ماه رمضان بجای يك روز روزه بی که در ماه رمضان باطل گردیده ، میباشد . قضاء روزه میشود در ایامی که گرفتن روزه در آن ممنوع نباشد صورت گیرد . قضاء روزه را الی آغاز ماه مبارك سال نو میتواند بجا آورد . قضا روزه میتواند پی در پی و یا متفرق صورت گیرد .

کفاره چیست ؟

کفاره عبارت از جزای شرعی میباشد که پروردگار با عظمت ما آنرا بر کسیکه بعضی از جرایم از او سر زند تعیین فرموده است مانند وجوب کفاره بر قاتل یا کسیکه سو گندش را می شکند .

احکام مریض در رمضان

کفاره بر روزه دار وقتی واجب میشود که عمداً روزه خود را فاسد نماید مثلاً اینکه جماع کند.

کفاره دو ماه روزه پی در پی را میگویند، در صورتیکه در این دو ماه رمضان و روزه هایکه روزه در آن منع گردیده است نباشد. اگر به گرفتن دو ماه روزه نیز قادر نبود، به شصت مسکین طعام دهد. کفاره در روزه فرضی بوده در فساد روزه غیر رمضان کفاره وجود ندارد، اگر چه قضای رمضان هم باشد. دادن طعام به 60 مسکین، فقیر، محتاج، نه برای کسانی که نفقه ایشان بر او فرض باشد (مانند پدر، مادر، زن) همچنان میشود مقدار طعام را به پول نیز تادیه کرد و همچنان میتوان همان مسکین را برای 60 روز کامل طعام داد.

فدیه فقرا و غرباء که قادر با تادیه نباشد چیست؟

فقرا و غرباء که قادر با تادیه فدیه نباشند، برخورد شرع در مورد این اشخاص چه میباشد؟

در جواب باید گفت که دین مقدس اسلام انسان را مطابق به توانمندی اش در اجرای احکام مکلف ساخته است، و چیزیکه در توان شخص نباشد، شرع اسلامی آنرا در اجرای مکلف نمی سازد:

قرآن عظیم الشان این فورمول را با زیبایی خاصی چنین بیان داشته است: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست) بناً چیزیکه در توان انسان نباشد، آن شخص مکلف به اجرای آن نیست.

همچنان پروردگار با عظمت میفرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.» (پروردگار هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کند، هر کار نیکی که انجام دهد به سود خود کرده، و هر کار بدی که انجام دهد به زیان خود کرده است.

پروردگار! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر. پروردگار! بار سنگین بر ما مگذار آن چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند گذاشته ای پروردگار! آنچه تاب و توانش را نداریم بر دوش ما مگذار و از ما درگذر، و ما را بیامرز، و بر ما رحم فرما، تو سرور ما هستی، پس ما را بر قوم کافران پیروز گردان. بناً غریب و فقیری که توان پرداخت فدیه را نداشته باشد باید استغفار (استغفر الله) و توبه کند و از دادن فدیه هم معاف است.

نظر و آراء علماء :

و در این بخش نظر و آراء علماء را در مورد فقرا و غرباء که قادر با تادیه فدیه نباشند غرض استفاده مزید قرار ذیل جمع بندی میدارم:

شیخ بن عثیمین رحمه الله در فتاوی صیام خویش در مورد مریض مزمنی که نه میتواند روزه بگیرد و نه میتواند فدیه بدهد مینویسد: (مریض مزمن روزه دار) که نتواند (بعلت فقر) غذا بدهد (فدیه) از وی ساقط میشود، و همه واجبات اگر انسان قادر

احکام مریض در رمضان

به انجام آن نباشد ساقط میشود، و اگر بجای آن بدیلی باشد آنرا انجام میدهد، ولی اگر بدیلی نداشته باشد ساقط میشود، و صحیحش آنست که (فدیه) ساقط میشود بر اساس قاعده مشهور (فقهی) که میگوید: « لا واجب مع العجز » یعنی « با ناتوانی واجبی نیست » در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: «در حالیکه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی آمد و گفت: ای رسول خدا! هلاک شدم، (پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرمود: چی شده، گفت: در حال روزه با همسرم آمیزش کردم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود آیا می‌توانی برده‌ای را آزاد کنی؟ گفت نه، فرمود: آیا می‌توانی دو ماه پشت سر هم روزه بگیری؟ گفت نه، فرمود: آیا می‌توانی شصت مسکین را طعام بدهی؟ گفت نه، (ابوهریره) گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم مکئی کرد، آنگاه سبب بزرگی از خرما را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم آوردند، فرمود: سؤال کننده کجاست؟ آن مرد گفت: من هستم. (پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرمود: این را بگیر و (آن را بعنوان کفاره روزه‌ات) صدقه بده، آن مرد گفت: به فقیرتر از خودم بدهم ای رسول خدا؟ به خدا قسم در تمام مدینه خانواده‌ای فقیرتر از خانواده من وجود ندارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم خندید به گونه‌ای که دندان‌های نیشش نمایان شد، سپس فرمود: (با آن) خانواده‌ات را طعام بده (متفق علیه).

در این حدیث متبرکه دیده میشود که: پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که در رمضان جماع (نزدیکی) کرده بود فرمود: « خانواده‌ات را بخوران » و پیامبر صلی الله علیه وسلم بوی نگفت که « هر وقت توانستی کفاره اش را بده ».

همچنان شیخ بن باز رحمه الله در جواب سوالی: پیرزن بزرگسالی (شیخ فانی) که نمیتواند روزه بگیرد چنین جواب فرموده است:

« بر او است که در مقابل هر روز که روزه را میشکند نیم صاع فدیة بدهد از غذای معمول آن شهر مانند خرما، برنج، و غیره، که هر نیم صاع برابر است با یک و نیم کیلو گرم، همانطور که گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم مانند ابن عباس چنین فتوایی را داده اند، و اگر فقیر بود و نمیتواند غذا بدهد هیچ چیزی بر او نیست، و این کفاره میتوان آنرا فقط به یک فقیر پرداخت و یا بیشتر، و چه در اول ماه و چه وسط و چه آخر ماه باشد. » (مجموع فتاوی ابن باز (203/15)).

امام نووی عالم شهیر جهان اسلام در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به پرداخت فدیة هست میفرماید: « وینبغی أن یکون الأصح هنا أنها تسقط ولا یلزمه إذا أیسر کالفطرة، لأنه عاجز حال التکلیف بالفدیة»، یعنی: (و باید قول صحیحتر اینجا این باشد که کفاره ساقط میشود و اگر در آینده توانگر شود بر او واجب نیست مانند (زکات) فطر (که اگر کسی تنگدست هست از او ساقط میشود و در آینده لازم به پرداخت آن نیست)، زیرا او وقت تلکلیف از پرداخت فدیة ناتوان است».

و ابن قدامة عالم دیگری جهان اسلام در « المغنی » در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به پرداخت فدیة هست میفرماید: « فإن کان عاجزاً عن الإطعام أيضاً فلا شیء علیه، ولا یکلف الله نفساً إلا وسعها»، یعنی: « و اگر از غذا دادن نیز عاجز و ناتوان بود هیچ چیزی بر او نیست، و خداوند هیچکس را جز به اندازه توانایی اش مکلف نمی‌سازد».

احکام مریض در رمضان

کیفیت ادای فدیة رمضان :

شیخ علامه ابن عثیمین رحمه الله در مورد کیفیت فدیة روزه بشکل طعام میفرماید :
کیفیت اطعام به دو صورت انجام می یابد :

اول:

پختن غذا و دعوت از مسکین و یا مساکین غرض صرف آن ، بر حسب روزهایی که باید فدیة بدهد، طوری که انس بن مالک رضی الله عنه چنین عمل را انجام میداد.

دوم:

توزیع غذای غیر آماده (پخته نشده) به مساکین (الشرح الممتع (335/6). اما اگر کسی بخواهد که در بدل سی روز به یک نفر غذا دهد، یعنی هر روز به او طعام دهد، جایز است چنانکه جمهور علمای مذاهب از جمله امام شافعی و امام حنابل و گروهی از علمای مالکیه بر جواز آن تاکید کرده اند، مولف کتاب الانصاف گفته: «جایز است طعام را کلا به یک مسکین واحد داد». الإنصاف (291/3)، و همچنان نگاه کنید به: تحفة المحتاج 3 / 446، کشاف القناع 2 / 313، و «فتاوی اللجنة الدائمة» (198/10).
قابل تذکر است که : برای دادن فدیة لازم نیست که حتماً قبل از عید فطر آنرا بدهد، بلکه بر او واجب است تا هرچه زودتر فدیة خود را بدهد قبل از آنکه رمضان سال بعد فرا برسد، اما هیچ حدیثی در این مورد وارد نشده است.
بنابراین کسی که هنوز فدیة نداده و اکنون عید شده و از آن گذشته، ایرادی ندارد ولی باید هرچه زودتر بر دادن فدیة روزه خود مبادرت ورزد، زیرا اجل نامعلوم هستند و ممکن است در ذمه شخص بماند.
و این مسئله شبیهه به حکم قضای روزه رمضان است، پس بجا آوردن آن نیز بمانند بجا آوردن قضای روزه رمضان برای کسی است که بنا به عذری نتوانسته رمضان را روزه بگیرد.

پاورقی ها :

(۱) کلمه (محیض) مصدر (حاضت المرأة تحیض) است ، ومعنی آن چنین میشود :
« حیض جریان خون است که از شر مگانه زن بدون ولادت و پارکی در حالیکه دارائی صحت است ، خارج میگردد » و چون این مصدر مختص زنان است لذا اسم فاعل آن را مذکر هم می آورند ، و میگویند زن حائض . «

سن آغاز حیض :

دلیلی برای زمانبندی شروع حیض (عادت ماهیانه) و پایان آن در پنجاه سالگی وجود ندارد ، و قول صحیح آنست که هر وقت زن آن خون معروف نزد زنان را ببیند آن خون ، خون حیض شمرده میشود : « ویسألونک عن المحیض قل هو أذی » (البقره : 222) و در باره حیض از تو می پرسند ، بگو حیض پلیدی است . (در این جا حکم آیه عمومیت داشته و خداوند حکم (حلال و حرامی را که از وجود حیض ناشی می شود) را به وجود حیض وابسته نموده ، و برای آن سنی را تعیین نفرموده است ، پس واجب است که به آنچه حکم بدان وابسته است که همان وجود (حیض) باشد رجوع شود ، پس هر وقت حیض وجود داشته باشد حکم ثابت می شود و هر گاه وجود نداشته باشد حکم ثابت نمی شود ، بنابر این هر وقت زن حیض را ببیند حائض

احکام مریض در رمضان

(در حال عادت) است گرچه در سنی کمتر از نه سال و بیشتر از پنجاه سال باشد، زیرا زمانبندی احتیاج به دلیل و حال آنکه دلیلی برای زمانبندی وجود ندارد. اما اکثریت علما کرام و فقها سن آغاز حیض را نه سالگی معرفی داشته اند و بر این امر معتقد اند که حیض تا آخر عمر دوام می یابد. و دلیلی برای پایان آن نمی باشد و اگر زنی پیر هم خون ببیند حیض شمرده میشود. امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) میفرماید: «نظر به قول مختار اگر دختر نه ساله خون ببیند در حکم حیض می باشد و باید در چنین حالتی روزه و نماز را ترک گوید و این امر تا سن یأس دوام می کند و قول مختار آنست که سن یأس پنجاوینج سالگی میباشد و اگر زنی بعد از آن سن خونی ببیند حیض شمرده نمیشود. مگر در صورتیکه مقدار خون زیاد و به رنگ سیاه یا سرخ تیز باشد در آن صورت حیض شمرده میشود.»

صفات و مدت حیض:

خون حیض آن خون است که با سوزش برون میشود، رنگش به سیاهی نزدیک بوده و دارای بوی بدی میباشد.

در شرع هیچ حدی برای حداقل و حد اکثر آن وجود ندارد و معمولاً در این مورد به عادت زنان مراجعه مینمایند. ولی فقها و شارعین دین مدت کم حیض را سه روز، وسط آن پنج واحد اکثر آن ده شبانه روز معرفی داشته اند. البته آمدن خون در تمام این مدت شرط نبوده بلکه وجود خون در اول موعد کفایت می کند و اگر در میان طهارت واقع شده و باز خون ببیند هر يك بصورت علیحده حیض پنداشته میشود.

از ربیع بن صبیح (رض) روایت شده که از انس (رض) شنید که میگفت: «لا یكون الحیض اكثر من عشرة» (دار قطنی) «نیست حیض بیشتر از ده روز» و احناف بر این امر معتقد اند که: «هر گاه بر حائض حداعظم مدت حیض که ده روز است بگذرد جماع قبل از بند شدن خون و قبل از غسل جایز است اما غسل قبل از جماع مستحب است.» اگر خون بعد از حد اکثر عادت و قبل از حد اعظم مدت حیض قطع گردد قبل از غسل جماع جایز نیست و در صورت عدم موجودیت آب تیمم نموده و به آن نماز بگذارد. احتیاط جماع نکردن با حائض قبل از غسل است هر چند خون بعد از حد اعظم مدت حیض قطع گردیده باشد.

سبب حیض:

ام المؤمنین بی بی عائشة (رض) روایت نموده که پیامبر اسلام در مورد حیض فرمود: «إن هذا امر کتبه الله تعالى علی بنات آدم» (متفق علیه) «حیض امریست که خداوند تعالی بر دختران آدم لازم کرده است.»

نفاس چیست:

نفاس خونی است که بعد از ولادت یا بعد از خروج اکثریت حصه طفل (ولو سقط هم باشد) از شرمگاه زن خارج میشود. حد اعظم مدت نفاس چهار روز، حداقل ندارد و ثبوت آن به نشانه دیگری غیر از ولادت محتاج نیست. (امام شافعی (رح) حد اعظم مدت نفاس را شصت روز و حد اکثر آنرا چهار روز معرفی داشته است در حالیکه امام مالک حد اعظم نفاس را شصت روز معرفی نموده است. از ام سلمه (رض) روایت است: «كانت النفساء تجلس علی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم أربعین یوما» «نفساء» (زنانی که وضع حمل می کنند) زمانی پیامبر صلی الله علیه وسلم چهار روز می نشستند (یعنی نماز و روزه را داد نمی کردند) (صحیح سنن ابن ماجه، ۵۳۰،)

احکام مریض در رمضان

سنن ابو داود (عون المعبود): ۳۰۷ / ۵۰۱ / ۱ ، (سنن الترمذی) ۱۳۹ / ۹۲ / ۱
(سنن ابن ماجه ۶۴۸ / ۲۱۳ / ۱)

استحاضه :

استحاضه عبارت از جاری شدن خون از قسمت پایین رحم در غیر وقت حیض و نفاس پس هر خونی که بیشتر از مدت حیض یا نفاس و یا کمتر از حد اقل آن ، یا قبل از سن حیض که نه سالگی است ، بیاید استحاضه میباشد .

استحاضه بر شش نوع میباشد :

کمتر از حداقل حیض ، بیشتر از حد اعظم حیض ، بیشتر از حد اعظم نفاس ، بیشتر از عادت وحد اکثر حیض و نفاس .

در حدیث از ام المؤمنین عائشة (رض) روایت است که پیامبر اسلام فرموده است :
« المستحاضة لا یغشاها زوجها » (زنیکه در استحاضه است جماع نکند با او شوهرش)
چون در استحاضه اذیت است پس جماع مانند حالت حیض حرام میباشد زیرا حق تعالی علت منع جماع با حائض را اذیت قرار داده و اذیت در استحاضه نیز موجود است پس حرمت آن ثابت است .

ولی مذهب جمهور علما مستند به حدیث اکرمه (رض) که گفت است : « کانت أم حبیبه تستحاض وکان زوجها یغشاها » (ام حبیبه استحاضه میبود و شوهرش با او جماع میکرد.)

سیلان الرحم :

سیلان الرحم عبارت از حالت است که : از فرج زن رطوبتی به رنگ سفید یا زرد بطور مرتب و پیهم خارج میشود . احکام سیلان الرحم مانند احکام استحاضه میباشد .
زن مبتلا به سیلان الرحم باید نماز بخواند ، روزه بگیرد و قرآن را تلاوت کند . البته برای هر نماز وضوی جداگانه گرفته هنگام استنجاء فرج خود را خوب پاک بشوید .

احکام مریض در رمضان

فهرست :

شماره	عنوان	صفحه
1	مقدمه	
2	انواع امراض	
3	استنتاج کلی در مورد احکام مریض	
4	گتگوری امراض نزدجمهور علماء	
5	احکام شیخوخت و «شیخ فانی» در رمضان	
6	حمل	
7	اندازه و مقدار طعام فدیة	
8	مادر شیر ده و رمضان	
9	حائض و نفاس در رمضان	
10	استعمال تابلیت غرض جلوگیری از عادت ماهانه	
11	دیابت یا مریض شکر در رمضان	
12	مسولیت مریض شکر در ماه مبارک رمضان	
13	یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین	
14	امپول و پیچکاری در رمضان	
15	بی حسی جزئی از طریق بینی	
16	بی حسی جزئی چینی	
17	بی حسی از طریق توقف جریان خون	
18	بی حسی کلی	
19	استعمال دوا زیر زبان برای مریضان قلب (در رمضان)	
20	اسپری تنفسی در رمضان	
21	استعمال قطره چکان ها در رمضان	
22	قطره چکان بینی	
23	قطره چکان گوش	
24	سایر داروی پاککننده گوش	
25	قطرچکان چشم	
26	چشم دردی و استعمال سرمه در رمضان	

احکام مریض در رمضان

	قورت کردن بلغم در روزه	27
	شستو شوی رحم زن در رمضان	28
	حکم بیهوشی در رمضان	29
	انواع بیهوشی	30
	اول بیهوشی منطقه ای	31
	دوم بیهوشی عمومی	32
	سردردی شدید در رمضان	33
	مریض میگردن و روزه	34
	مریضی صرع (epilepsy) و رمضان	35
	حکم مریضان صرع در رمضان	36
	دندان کشی در رمضان	37
	دوا غرغره کلودر رمضان	38
	استنشاق بخار آب در حمام زوناء	39
	استعمال اسپری های ضد حساسیت	40
	مرض سل و روزه	41
	مریضی سنگ کرده و رمضان	42
	دیالیز در ماه رمضان	43
	آیا دیالیز باطل کننده روزه است ؟	44
	مرض کم خونی و روزه	45
	حکم تزریق خون و آمپول	46
	حجامت در رمضان	47
	حجامت در کدام امراض بکار گرفته میشود	48
	حکم شرعی در مورد حجامت	49
	خون ریزی در رمضان	50
	زخم معده	51
	معاینات معدی و روزه	52
	تزریق مقعدی	53
	آیا مقعد به معده مرتبط است؟	54
	استعمال کپسول ضد قبضیت در رمضان	55
	استعمال ملحم بواسیر و روزه	56

احکام مریض در رمضان

	هیپاتیتس سی یا «زردی سیاه»	57
	شدت گرسنگی و تشنگی	58
	ترس از هلاکت	59
	بی هوشی	60
	جنون	61
	حالاتی که شکستن روزه در آنها جایز است	62
	حکم اصرار مریضان بر گرفتن روزه	63
	فدیه و كفاره و فرق آن	64
	فدیه چیست	65
	مقدار طعام واجب	66
	قضاء روزه	67
	كفاره چیست ؟	68
	فدیه فقرا و غرباء که قادر با تادیه نباشد چیست ؟	69
	کیفیت ادای فدیه رمضان	70
	پاورقی ها	71
	سن آغاز حیض	72
	صفات و مدت حیض	73
	سبب حیض	74
	نفاس چیست	75
	استحاضه	76
	سیلان الرحم	77

احکام مریض در رمضان

تتبع و نگارش : الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی
والحاج قاضی لعل محمد صافی «پتوال»
ادرس ارتباطی : بریبننا لیک: saidafghani@hotmail.com